

انتظار ۴



امام مهدی
در
احادیث شیعه و سنی

محمد امین بالا دستیان
سید محمد روحانی
جواد جعفری
مهدی یوسفیان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انتظار

(۱۴)

امام مهدی (عج)

در

احادیث شیعه و سنن

جمعی از محققان مرکز تخصصی مهدویت

(محمد امین بالادستیان، سید محمد روحانی،

جواد جعفری، مهدی یوسفیان)

شناسنامه

نویسندگان: جمعی از محققان مرکز تخصصی مهدویت
(محمد امین بالادستیان، سید محمد روحانی، جواد جعفری،
مهدی یوسفیان).
امام مهدی (عج) در احادیث شیعه و سنی / تهران: بنیاد
فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۸۴.
۱۰۶ ص.

ISBN 964-7428-32-4

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)

امام مهدی (عج) در احادیث شیعه و سنی

نویسندگان: جمعی از محققان مرکز تخصصی مهدویت
(محمد امین بالادستیان، سید محمد روحانی، جواد جعفری، مهدی یوسفیان)

صفحه آرا: سید جاوید حسینی

چاپ اول / پاییز ۱۳۸۴

قطع پالتویی / ۱۰۶ صفحه

چاپ / الهادی

شمارگان / ۳۰۰۰

شابک ۹۶۴-۷۴۲۸-۳۲-۴ ISBN 964-7428-32-4

۶۰۰۰ ریال

مراکز پخش: قم: ۷۷۳۷۸۰۱ - ۷۷۳۷۱۶۰
تهران: ۸۴۰۸۴۱۹

فهرست مطالب

۷	مقدمه ناشر.....
۹	پیشگفتار.....
۱۰	ضرورت بحث.....
۱۱	تعریف واژه‌ها.....

بخش یکم:

۱۵	منابع روایی درباره حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۵	الف. منابع شیعه.....
۲۰	ب. منابع عامه:.....

بخش دوم:

۲۵	احادیث درباره حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۶	۱. موضوعات احادیث.....
۳۲	۲. تعداد احادیث.....
۳۳	۳. راویان احادیث از صحابه.....
۳۵	نتیجه.....
۳۵	الف. تواتر احادیث مهدویت.....
۳۷	ب. صحت احادیث مهدویت.....

بخش سوم:

۳۹ امام مهدی <small>علیه السلام</small> در پرتو احادیث
۳۹ فصل ۱. احادیث عام
۴۰ ۱-۱. حدیث ثقلین
۵۲ ۱-۲. حدیث «من مات»
۵۸ ۱-۳. حدیث «اثنا عشر خلیفه»
۶۴ فصل ۲. احادیث خاص
۶۴ یک. عرصه‌های مشترک
۸۴ دو. عرصه‌های اختلافی
۹۲ فصل ۳. لغزشگاه‌های احادیث امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۹۲ شبهه نخست:
۱۰۲ شبهه دوم:
۱۰۵ نتیجه

مقدمه ناشر

اندیشه مهدویت، یاسخگوی کامل و جامع به خواسته و نیاز دیرین انسان‌ها در اصلاح وضعیت نابسامان زندگی بشری است.

مهدویت نه فقط برای فردای مبهم بشریت، روشنی و زیبایی عرضه می‌کند که امروز بشر نیز در گرو فهم و معرفت به این موضوع است. و شناختن امام و راه، اهداف و جایگاه امام و وظایف ما در قبال او، همان زندگی جاهلی است که مرگ جاهلی را در پی دارد و روایات بسیاری به آن پرداخته‌اند.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام به همت پژوهشگران مرکز تخصصی مهدویت، در راستای این هدف مهم، مجموعه‌ای را به نام «انتظار» فراهم آورده تا به تبیین مباحث و موضوعات مختلف فرهنگ مهدویت به صورت مختصر و با حجمی اندک بپردازد. و در کنار فصلنامه علمی تخصصی انتظار که ویژه پژوهشگران و متخصصان است؛ رهنمون عموم علاقمندان گردد.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)

معاونت پژوهش

پیشگفتار

شناخت دین و ابعاد گوناگون آن، وظیفه‌ی تمامی مردم در همه دوران‌ها است. این شناخت وقتی معتبر و دقیق خواهد بود که بر اساس روش صحیح معرفتی به دست آید. بنابراین به حکم عقل، نخستین قدم در دین‌شناسی، رجوع به آورنده و تبیین‌کننده‌ی دین، برای یافتن روش شناخت است.

تأکیدات شارع مقدس، نشانگر آن است که شناخت اسلام، بر دو پایه استوار است: یکی خردورزی و تعقل و دیگری رجوع به منابع اصیل نقلی آن (یعنی قرآن و روایات صحیح اهل بیت علیهم‌السلام، معصومان علیهم‌السلام).. امام صادق علیه‌السلام درباره اهمیت منابع نقلی می‌فرماید: «مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَفِيهِ كِتَابٌ أَوْ سُنَّةٌ^۱»؛ «هیچ چیزی نیست، مگر آنکه در مورد آن آیه یا روایتی وجود دارد».

۱. کافی، ج ۱، ص ۵۹، ح ۴.

از میان منابع اسلام «سنت» نقش ویژه‌ای دارد؛ زیرا گستره نظر عقل محدود است و در امور اعتباری، چندان دخالتی ندارد و از طرفی قرآن نیز به مثابه قانون اساسی اسلامی، که بیشتر به کلیات پرداخته و بیان جزئیات را به «سنت» واگذار کرده است. علاوه بر اینکه فهم مراتب بالای قرآن و دستیابی به مفاهیم والای آن، احتیاج به بیان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام دارد. حال دانستن معارف مهدوی و فهم کامل و دقیق و معتبر آن، تنها با رجوع به منابع اصیل اسلامی - و به خصوص روایات معصومان علیهم السلام - امکان پذیر است.

ضرورت بحث

«مهدویت» از زوایای مختلف قابل بررسی است و پرداختن به آن‌ها از چشم‌انداز روایات دارای اهمیت خاصی است؛ زیرا:

یکم: منجی و مهدی از صدر اسلام و بلکه پیش از آن به علت غیرتجربی بودن و حالت پیشگویی داشتن آن، همواره مورد رغبت مردم بوده و سوالات آنها و پاسخ‌های معصومان علیهم السلام را در پی داشته است.

دوم: گسترش روحیه امید در جامعه و ترویج فرهنگ صحیح انتظار، در تمامی دوران‌ها و معرفی مهدی موعود راستین به نسل‌های مختلف، از طریق روایات امکان‌پذیر بوده و اکنون نیز بهترین راه برای نیل به این مقصود، همان میراث گران‌بهای معصومان علیهم‌السلام است.

سوم: تلاش تاریخی برای جلوگیری از نقل روایات و کوشش دیگران برای دخل و تصرف و حذف بعضی از احادیث نوشته شده و ایجاد شک و تردید در برخی دیگر، ضرورت اهتمام به حدیث در تبیین فرهنگ مهدوی و پاسداری از آن را یادآوری می‌کند.^۱

تعریف واژه‌ها

به منظور درک سریع مطالب و برای جلوگیری از برداشت‌های گوناگون از واژه‌ها، لازم است که قبل از ورود به بحث، برخی از اصطلاحات را توضیح داده و مراد خود را از واژه‌ها بیان کنیم:

۱. حدیث: حدیث در لغت به چیزی گفته می‌شود که ناپیدا بوده و سپس پیدا می‌شود و در

۱. ر.ک: الامام المهدی عند اهل السنة، مهدی فقیه ایمانی.

اصطلاح ما عبارت است از: «قَوْلُ الْمُعْصُومِ أَوْ مَا يَحْكِي قَوْلَهُ أَوْ فِعْلَهُ أَوْ تَقْرِيرَهُ»؛ یعنی، گفتار و یا آنچه سخن معصوم یا فعل و تقریر او را بازگو می‌کند.

اهل سنت هم حدیث را قول، فعل و تقریر پیامبر ﷺ، صحابه و تابعین می‌دانند.^۱

۲. سنت: اصل قول، فعل و تقریر معصوم عليه السلام است.^۲

۳. صحیح: صحیح روایتی است که سند آن به وسیلهٔ راویان عادل و امامی در تمامی طبقات به معصوم متصل باشد.^۳

محدثان اهل سنت روایاتی را صحیح می‌دانند که سند آن توسط راویان عادل ضابط متصل بوده و فاقد شذوذ و علت باشد؛ یعنی، آن را بیش از یک عادل نقل کرده و از هر عیبی به دور باشد.^۴

۴. حَسَن: روایتی است که سند آن توسط راویان امامی عادل به استثنای یک یا چند راوی - که تصریح به عدالت آنان نشده و تنها به مدح و ستایش

۱. تدریب الراوی، ج ۱، ص ۲۳.

۲. روایت و درایت، ص ۲۶.

۳. آشنایی با علوم حدیث، ص ۱۷۹.

۴. همان، ص ۱۸۰؛ به نقل از: نخبة الفکر، ص ۱۲.

آنها اکتفا شده - به معصوم متصل باشد.

اهل سنت روایتی را حَسَن می دانند که سند آن، از طریق عادل خفیف الضبط، متصل و عاری از شذوذ و علت باشد. مراد از خفیف الضبط - در برابر تمام الضبط - کسی است که در ضبط او، اندکی خلل راه یافته است.^۱

۵. متواتر: خبری است که در تمام طبقات، شمار راویان آن به حدی باشد که احتمال تبانی آنان بر دروغ، عادتاً محال است.

۶. صحاح سیئه: اهل سنت شش کتاب حدیثی خود را کاملاً صحیح می دانند: صحیح بخاری، صحیح مسلم (صحیحین)، سنن ابن ماجه، سنن ابی داوود، سنن ترمذی و سنن نسائی.

۱. آشنایی با علوم حدیث، ص ۱۸۱.

بخش یکم

منابع روایی درباره حضرت مهدی علیه السلام

برای آشنایی بهتر با منابع مهدویت، ابتدا آنها را به دو دسته شیعی و سنی تقسیم می‌کنیم و سپس بر اساس تاریخ صدور، آنها را بیان می‌کنیم. همچنین می‌توان آنها را در دو مقطع قبل از ولادت و بعد از ولادت امام مهدی علیه السلام دسته‌بندی کرد.

الف. منابع شیعه

یک. قبل از ولادت امام مهدی علیه السلام:

۱. کتاب سلیم بن قیس؛ شیخ ابو صادق سلیم بن قیس هلالی عامری کوفی (م ۷۶ هـ) نام دیگر این کتاب اسرار آل محمد صلی الله علیه و آله است.

۲. کتاب الغیبة للحجة؛ عباس بن هشام ابوالفضل

الناشری (م ۲۲۰ هـ).^۱

۱. الذریعه، ج ۱۶، ص ۷۶.

۳. کتاب اخبار المهدی؛ ابوسعید عباد بن یعقوب الرواجنی الکوفی (م ۲۵۰ هـ).^۱
۴. کتاب القائم الصغیر؛ حسن بن علی بن ابی حمزة البطائنی.^۲
۵. کتاب الغیبة؛ ابواسحاق ابراهیم بن صالح الأنماطی.^۳

دو. بعد از ولادت امام مهدی علیه السلام

برخی از این منابع، در کنار موضوعات دیگر، مباحث و روایات امام مهدی علیه السلام را نیز مطرح کرده‌اند و برخی دیگر ویژه امام موعود (ع) نگاشته شده است:

- ۱-۲. کتابهایی که امام مهدی را مطرح نموده‌اند.
۱. الکافی؛ محمد بن یعقوب بن اسحاق الكلینی الرازی (م ۳۲۹ هـ) این کتاب از قدیمی‌ترین و معتبرترین کتب روایی شیعه است و از شرح‌های معروف آن می‌توان «مرآة العقول» و «وافی» را نام برد.

این کتاب پیش از شانزده هزار حدیث دارد که به

۱. اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۴۱۰.

۲. رجال نجاشی، ص ۳۶ و ۳۷.

۳. رجال نجاشی، ص ۱۵.

تنهایی از؛ تعداد کل صحاح سته اهل سنت بیشتر است.

۲. قرب الإسناد؛ ابوالعباس عبدالله بن جعفر بن حسین بن مالک بن جامع حمیری. وی استاد شیخ کلینی است و با امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام و به وسیله محمد بن عثمان عمری با امام مهدی علیه السلام مکاتبه داشته است. این کتاب از اصول چهارصدگانه اولیه شیعه به حساب می‌رود و تعداد ۱۴۰۴ حدیث دارد.

۳. بصائر الدرجات؛ ابوجعفر محمد بن حسن بن فروخ صفار (م ۲۹۰ هـ) او از یاران امام حسن عسکری علیه السلام و شاگرد احمد برقی و استاد مرحوم کلینی است. این کتاب در فضایل اهل بیت علیهم السلام نگاشته شده و از معتبرترین اصول قدما و بزرگان شیعه است.

۴. المحاسن؛ ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمن بن محمد بن علی برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ هـ) این کتاب از بهترین کتابهای شیعه است و برخی آن را در ردیف کتب اربعه می‌دانند. این کتاب بسیار مفصل بوده که قسمتی از آن به دست ما رسیده است.

۵. کفایة الاثر فی النص علی الأئمة الاثنی

عشر عليه السلام؛ ابوالقاسم علی بن محمد بن علی خزاز قمی رازی. وی از راویان و فقهای برجسته شیعه، در نیمه دوم قرن چهارم است. در قم متولد شد و شاگرد شیخ صدوق بود.

۶. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ شیخ مفید ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی (م ۴۱۳ هـ). وی استاد شیخ طوسی، سید مرتضی و سید رضی بود. این کتاب در بردارنده تاریخ و فضایل ائمه معصومین علیهم السلام است.

۲-۲. کتاب‌های ویژه امام عصر علیه السلام

تعدادی از کتاب‌هایی که ویژه امام عصر نوشته شده، عبارت است از:

۱. کمال الدین و تمام النعمة؛ محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق (ت ۳۰۵ هـ). او به دعای امام زمان علیه السلام به دنیا آمد و این کتاب را به دستور آن حضرت نوشت که^۱ از قدیمی‌ترین منابع روایی در این زمینه شمرده می‌شود.

۲. الغیبة؛ ابو عبدالله، محمد بن ابراهیم بن جعفر کاتب نعمانی مشهور به ابن ابی زینب از راویان

۱. کمال الدین و تمام النعمة، مقدمه.

بزرگ شیعه در اوایل قرن چهارم است. این کتاب در سال ۳۴۲ در حلب نگارش یافته و ۴۷۸ حدیث دارد.

۳. الفصول العشرة في الغيبة؛ ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید. موضوع اصلی آن، پاسخ به مهم ترین شبهاتی است که درباره وجود مبارک امام مهدی علیه السلام در دوران ایشان مطرح بوده است. نام های دیگر این کتاب «الاجوبة عن المسائل العشرة» و «المسائل العشرة في الغيبة» است.

۴. اربع رسالات في الغيبة؛ شیخ مفید. این کتاب به روش پرسش و پاسخ بوده و شامل مباحث غیبت، قیام و شبهات مربوط به امامت حضرت مهدی علیه السلام است.

۵. کتاب الغيبة للحجة؛ شیخ طوسی. این کتاب از بهترین، مهم ترین و کامل ترین منابع شیعه در مسأله غیبت امام مهدی علیه السلام است. این کتاب شامل دلایل عقلی و نقلی وجود امام مهدی علیه السلام، غیبت، ظهور، علایم ظهور و فضایل و سیره آن امام علیه السلام است.

این کتاب چون در بغداد و با استفاده از دو کتابخانه بزرگ شیعه نوشته شده و مؤلف آن به بسیاری از اصول قدما دسترسی داشته است، اهمیت

فراوانی دارد.

۶. معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام؛ این مجموعه روایی نفیس و ارزشمند، با تلاش برخی از محققان^۱ به انجام رسیده است. این گروه کوشیده‌اند تا در حدّ توان، روایات مربوط به امام مهدی علیه السلام را از کتاب‌های فریقین، جمع‌آوری کنند و در اختیار پژوهشگران و علاقه‌مندان قرار دهند. حاصل این سعی و تلاش پسندیده، دوره‌ای پنج جلدی است که روایات را به ترتیب معصومان علیهم السلام از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا آخرین معصوم فراروی خوانندگان قرار می‌دهد.

گفتنی است تعداد کتاب‌های نوشته شده - که تمام یا مقداری از بحث خود را به امام مهدی علیه السلام اختصاص داده‌اند - بیش از اینها است.

ب. منابع عامه:

محدثان اهل سنت، توجه خاصی به احادیث امام مهدی علیه السلام داشته‌اند. برخی از پژوهشگران^۲ نام ۱۶۰ نفر از آنان را - که تألیف مستقلی درباره امام

۱. اساتید معظم، آقایان کورانی و نجم‌الدین طبسی و....

۲. ر.ک: درانتظار قنوس، سید ثامر العمیدی،

ترجمه و تحقیق؛ مهدی‌علیزاده، صص ۶۶-۸۸

مهدی علیه السلام داشته یا احادیث مربوط به آن حضرت را در کتاب‌های خود آورده‌اند - بیان کرده‌اند. در اینجا به معرفی برخی از کتاب‌های اهل سنت می‌پردازیم.

یک. قبل از تولد امام مهدی علیه السلام کتاب‌های زیر قبل از تولد حضرت مهدی علیه السلام به نگارش درآمده است:

۱. کتاب الجامع؛ معمر بن راشد ازدی (م ۱۵۱ هـ).
- این کتاب در آخر مصنف صنعانی، چاپ شده است.
۲. الرسالة؛ محمد بن ادریس شافعی (م ۲۰۴ هـ).
۳. المصنف صنعانی (م ۲۱۱ هـ).
۴. الفتن؛ نعیم بن حماد بن معاویه بن الحارث الخزاعی المروزی (م ۲۲۹ هـ).
۵. المصنف فی الاحادیث و الآثار؛ ابی بکر عبدالله بن محمد بن ابی شیبة الکوفی العبسی (م سال ۲۳۵ هـ). شانزده حدیث پایانی آن، در مورد امام مهدی علیه السلام است.
۶. مسند احمد؛ نوشته احمد بن حنبل ابو عبدالله الشیبانی (م ۲۴۱ هـ). احادیث امام مهدی علیه السلام در این کتاب به طور پراکنده آمده است.

دو. بعد از تولد امام مهدی علیه السلام

کتاب‌های زیر بعد از ولادت امام مهدی علیه السلام
(یعنی سال ۲۵۵ هـ) نوشته شده است.

۱. سنن ابو داود؛ سلیمان بن اشعث ابو داود
السجستانی الأزدی (م ۲۷۵ هـ). این کتاب یکی از
صحاح سته و از معتبرترین کتاب‌های اهل سنت
است. در جلد چهارم بخشی را با نام «کتاب المهدی»
آورده که در آن دوازده حدیث درباره آن حضرت
بیان شده است. از نکات مهم آن آوردن حدیث
دوازده خلیفه در کتاب المهدی است. که نشان
می‌دهد از نظر نویسنده، امام مهدی علیه السلام یکی از آن
دوازده خلیفه‌ای است که پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی کرده
است.

۲. سنن ابن ماجه؛ محمد بن یزید ابو عبدالله
القزوینی (م ۲۷۵ هـ). این کتاب نیز یکی از صحاح
سته می‌باشد.

۳. سنن ترمذی؛ محمد بن عیسی ابو عیسی
الترمذی السلمی (م ۲۷۹ هـ). این کتاب نیز یکی
دیگر از صحاح سته شمرده می‌شود.

۴. بغیة الرائد فی تحقیق مجمع الزوائد و منبع
الفوائد؛ نورالدین علی بن ابی بکر هیشمی (م ۸۰۷ هـ).

وی در باب «ما جاء في المهدي» ۲۲ حدیث می آورد.

سه. در عصر غیبت کبری (بعد از سال ۳۲۹ هـ)

۱. صحیح ابن حبان؛ محمد بن حبان ابو حاتم التمیمی البستی السجستانی (م ۳۵۴ هـ).

۲. موارد الظمان الی زوائد ابن حبان؛ نورالدین هیشمی (م ۸۰۷ هـ).

۳. المعجم الاوسط؛ ابوالقاسم سلیمان بن احمد

الطبرانی (م ۳۶۰ هـ). این کتاب در ده جلد چاپ شده

است، اما چون بر حسب راویان تنظیم شده لذا

احادیث امام مهدی علیه السلام در سراسر آن پراکنده است.

۴. المستدرک علی الصحیحین؛ محمد بن عبدالله

ابو عبدالله الحاکم النیشابوری (م ۴۰۵ هـ).

۵. السنن الواردة فی الفتن و غوائلها و الساعة و

اشراطها؛ ابی عمر و عثمان بن سعید المقرئ الدانی

(م ۴۴۴ هـ). این کتاب معروف به سنن دانی است. از

جلد پنجم صفحه ۱۰۲۹ «باب ما جاء في المهدي»

شروع می شود و چهل حدیث دارد.

چهار. کتاب های ویژه حضرت مهدی علیه السلام

منابع پیشین، احادیث مربوط به حضرت را بیان

نموده اند و منابع ذیل، اختصاصاً به این موضوع

پرداخته‌اند:

۱. الاربعین؛ ابونعیم اصفهانی (م ۴۳۰ هـ).
۲. البیان فی اخبار صاحب الزمان؛ ابو عبدالله محمد بن یوسف بن محمد کنجی شافعی (م ۶۵۸ هـ).
۳. الفصول المهمه؛ علی بن محمد بن احمد مالکی مشهور به ابن صباع (م ۸۵۵ هـ).
۴. الصواعق المحرقة؛ ابوالعباس شهاب الدین، احمد بن محمد بن علی بن حجر هیثمی شافعی (م ۹۷۴ هـ).
۵. البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان؛ علاء الدین علی بن حسام الدین مشهور به متقی هندی (م ۹۷۵ هـ).
۶. موسوعة المهدی المنتظر؛ دکتر عبدالعلیم عبدالعظیم البستوی. وی در دو جلد به بررسی ۳۸۸ حدیث مهدوی می‌پردازد.

بخش دوم:

احادیث درباره حضرت مهدی علیه السلام

با مروری بر مصادر حدیثی اسلام و منابع مکتوب شیعه و سنی، به این حقیقت پی می‌بریم که مهدویت، یکی از اعتقادات اصیل اسلامی است. نخستین کسی که موضوع مهدی موعود و قیام جهانی او را مطرح و مشخصات وی را دقیقاً تبیین کرد، شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود. آن حضرت می‌خواست ضمن دمیدن روح امید و نشاط در مردم، زمینه سوءاستفاده مدعیان دروغین را از این مقوله خنثی سازد.

بر این اساس از چند جهت، می‌توان احادیث امام مهدی علیه السلام را بررسی کرد:

۱. نگاه به موضوعات مختلف مهدویت که معصومان علیهم السلام در روایات خود به آن پرداخته‌اند؛
۲. تعداد احادیثی که هر یک از معصومین علیهم السلام درباره امام مهدی علیه السلام دارند.

۱. موضوعات احادیث:

در این بخش با مراجعه به کتاب شریف منتخب
الاثر و استفاده از آن به آمار ذیل دست می یابیم:

ردیف	موضوعات	تعداد کل حدیث بدون تکرار	تعداد کل
۱	ائمه دوازده نفر هستند	۸۱	۲۷۱
۲	ائمه به تعداد نجباء بنی اسرائیل هستند	۲۴	۴۰
۳	ائمه دوازده نفر و اولین آنها حضرت علی <small>علیه السلام</small> است	۴	۱۳۳
۴	ائمه دوازده نفر و اولین آنها حضرت علی <small>علیه السلام</small> و آخر آنها امام مهدی <small>علیه السلام</small> است	۱۱	۹۱
۵	ائمه دوازده نفر امام آخرین آنها امام مهدی <small>علیه السلام</small> است	۱	۹۴
۶	ائمه دوازده نفر و نه تن آنها از فرزندان امام حسین <small>علیه السلام</small> هستند	۳۶	۱۳۹
۷	ائمه دوازده نفر نه تن آنها از فرزندان امام حسین <small>علیه السلام</small> و نهمین آنها قائم و مهدی آنان است	۳۶	۵۰
۸	ائمه دوازده نفر همراه با اسامی آنان	۵۰	۵۰
۹	بشارت به خروج امام مهدی <small>علیه السلام</small>	۱۰۳	۶۵۷
۱۰	از عترت پیامبر و از اهل بیت و ذریه اوست	۸	۳۸۹
۱۱	اسم او اسم پیامبر و کنیه اش کنیه او و شبیه ترین مردم به پیامبر و به سنت او عمل می کند	۸	۴۸
۱۲	شمایل حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۵	۲۱
۱۳	از فرزندان حضرت علی <small>علیه السلام</small> است	۵	۲۱۴
۱۴	از فرزندان زهرا <small>علیها السلام</small> است	۱۰	۱۹۲
۱۵	از اولاد حسن و حسین <small>علیهما السلام</small> است	۱	۱۰۷
۱۶	از فرزندان حسین <small>علیه السلام</small> است	۱۰	۱۸۵

۱	۱۶۰	از نه امام که از فرزندان حسین <small>علیه السلام</small> هستند	۱۷
۸	۱۴۸	نهمین امام از فرزندان حسین <small>علیه السلام</small> است	۱۸
۱	۱۸۵	از فرزندان حضرت سجاد <small>علیه السلام</small> است	۱۹
۳	۱۰۳	از فرزندان امام باقر <small>علیه السلام</small> است	۲۰
۱	۱۰۳	از فرزندان امام صادق <small>علیه السلام</small> است	۲۱
۱	۹۹	ششمین از فرزندان امام صادق <small>علیه السلام</small> است	۲۲
۱	۱۰۱	از فرزندان امام کاظم <small>علیه السلام</small> است	۲۳
۳	۹۸	پنجمین از فرزندان امام کاظم <small>علیه السلام</small> است	۲۴
۳	۹۵	چهارمین از فرزندان امام رضا <small>علیه السلام</small> است	۲۵
۲	۹۰	سومین از فرزندان امام جواد <small>علیه السلام</small> است	۲۶
۱	۹۰	از فرزندان امام هادی <small>علیه السلام</small> است	۲۷
۸	۱۴۶	جانشین جانشین امام هادی <small>علیه السلام</small> است	۲۸
۴	۱۴۷	نام پدر او حسن <small>علیه السلام</small> است	۲۹
۷	۹	او فرزند بهترین کنیزان است	۳۰
۲	۲	هرگاه سه اسم محمد و علی و حسن پشت سر هم آمدند چهارمین آنان قائم است	۳۱
۲	۱۳۶	دوازدهمین و خاتم ائمه است	۳۲
۹	۱۲۳	زمین را بر از عدل و داد می‌کند	۳۳
۹	۱۰	دارای دو غیبت است که یکی کوتاه‌تر از دیگری است	۳۴
۲۲	۹۱	دارای غیبت طولانی‌تری است که خداوند خروجش را بخواهد	۳۵
۴	۷	علت غیبت او	۳۶
۶	۷	فرااید امام غایب و چگونگی بهره‌مندی از او	۳۷

۴	۳۱۸	طول عمر حضرت	۳۸
۶	۸	او جوان است و سبمای او پیر نمی شود	۳۹
۶	۱۴	ولادت او مخفی است	۴۰
۳	۱۰	بیعت کسی بر او نیست	۴۱
۴	۱۹	او دشمنان خدا را می کشد و زمین را از شرک پاک می کند و حکومت جباران را برمی اندازد و بر تاویل قرآن می جنگد	۴۲
۶	۴۷	او امر خدا را آشکار و دین خدا را ظاهر می کند و مؤید و منصوره ملائکه است و زمین را احیا می کند	۴۳
۱	۱۵	مردم را به قرآن و سنت پیامبر برمی گرداند	۴۴
۳	۴	انتقام از دشمنان می گیرد	۴۵
۷	۲۳	سنن پیامبران از جمله عدل غیبت اوست	۴۶
۳	۷	او قائم به سیف است و بعد از خروج و قیام او ایمان کسی که قبلاً ایمان نیاورده باشد فایده ندارد	۴۷
۱	۱	مردم همه مطیع او می شوند	۴۸
۳	۳۰	سیره حضرت	۴۹
۳	۴	زهد حضرت	۵۰
۳	۷	کمال عدالت و گسترش عدل و امنیت در دولت او	۵۱
۴	۵	علم حضرت	۵۲
۵	۱۳	جود حضرت و اینکه مال را بدون شمارش می بخشد	۵۳
۳	۵	مورثت انبیا با اوست و خدا آنها را به دست وی برای انعام حجت ظاهر می کند	۵۴
۶	۲۴	ظهور نمی کند، مگر بعد از امتحان شدید مردم و گرفتاری سخت مؤمنان.	۵۵
۸	۲۵	بر حضرت عیسی <small>علیه السلام</small> امامت می کند.	۵۶

۶	۶	صاحب پرچم پیامبر و آنچه بر آن نوشته شده است.	۵۷
۲۱	۲۱۴	ولادت حضرت و مادر ایشان	۵۸
۳	۹	معجزات حضرت در زمان پدر	۵۹
۱۰	۱۹	کسانی که او را در زمان پدر دیده‌اند	۶۰
۲۳	۲۵	کسانی که او را در غیبت صغری دیده‌اند	۶۱
۱۶	۲۷	بعضی از معجزات حضرت در غیبت صغری	۶۲
۱۴	۲۲	شرح حال سفیران و ثواب ایشان در غیبت صغری	۶۳
۸	۱۲	معجزات حضرت در غیبت کبری	۶۴
۸	۱۳	کسانی که او را در غیبت کبری دیده‌اند	۶۵
۵	۱۲	چگونگی خروج و ظهور حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۶۶
۲۲	۳۷	جهان پیش از ظهور (فساد و ظلم و گناه...)	۶۷
۲۵	۲۹	برخی از علائم ظهور	۶۸
۲۰	۲۷	ندای آسمانی و محتوای آن	۶۹
۶	۲۳	گرانی، مریضی	۷۰
۲۵	۳۸	سفیانی، خسف بیداء، قتل نفس زکیه، یمانی، صبحه	۷۱
۶	۱۲	خروج دجال	۷۲
۲	۷	عدم جواز توفیت و تعیین وقت ظهور	۷۳
۷	۷	سال و ماه و روز خروج حضرت	۷۴
۵	۱۷	مکان خروج و محل منبر ایشان	۷۵
۲	۱۱	چگونگی بیعت با ایشان	۷۶
۲	۱۲	شرف و غرب عالم را فتح می‌کند	۷۷

۲	۷	همه به اسلام می‌گروند و بعد از ظهور او غیرخدا را نمی‌پرستند و دولت باطل از بین می‌رود	۷۸
۲	۱۰	زمین گنج‌ها و معادن خود را آشکار می‌کند	۷۹
۲	۱۲	برکات آسمان و زمین آشکار می‌شود	۸۰
۸	۲۵	جتماع ۳۱۳ مرد نژاد او در یک ساعت و برخی اوصاف آنان	۸۱
۲	۲	اهل شرق و غرب عالم پیش او جمع می‌شوند	۸۲
۳	۱۲۹	زمین را پر از عدل و داد می‌کند	۸۳
۳	۳۹	نزول عیسی <small>علیه السلام</small> و خواندن نماز پشت سر امام مهدی <small>علیه السلام</small>	۸۴
۲	۶	حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> دجال را می‌کشد	۸۵
۲	۲	جنگ حضرت با سفیانی	۸۶
۱	۵	آبادی زمین در حکومت او	۸۷
۳	۷	تسهیل امور و تکامل عقول در عصر مهدی <small>علیه السلام</small>	۸۸
۵	۱۴	فضایل اصحاب مهدی <small>علیه السلام</small>	۸۹
۲	۵	قدرت و صلابت آنها	۹۰
۵	۱۸	مدت حکومت حضرت بعد از ظهور	۹۱
۱	۲	چگونگی زندگی و لباس و خوراک حضرت	۹۲
۲	۷	آنچه حضرت به آن دعوت می‌کند و به آن عمل می‌نماید	۹۳
۲	۹	حرام بودن انکار قائم	۹۴
۱۶	۲۳	فضیلت انتظار فرج به ظهور حضرت	۹۵
۹	۵۲	تکالیف شیعیان نسبت به حضرت	۹۶
۳	۱۰	پاداش کسی که امام را درک کند و به او اقتد نماید.	۹۷

۱۶	۲۳	فضیلت کسی که در غیبت به او ایمان بیاورد و بر موالات او ثابت قدم باشد	۹۸
۴	۶	چگونگی سلام و صلوات بر حضرت	۹۹
۱۱	۱۳	دعاهای حضرت	۱۰۰

جمع بندی: تعداد منابع شیعه و سنی مورد مطالعه در منتخب الاثر، ۱۵۷ کتاب و مجموع احادیث ۶۰۳۶ و جمع کل آورده شده در این کتاب ۹۲۲ حدیث است.

روایات نقل شده در مورد امام مهدی علیه السلام را می توان به چهار گروه تقسیم کرد:

الف. روایات تفسیری؛ روایاتی که در ذیل آیات قرآن کریم رانقل شده و آیه‌ای را بر امام مهدی علیه السلام تطبیق کرده است.

ب. روایات اخباری؛ روایاتی که از آینده خبر می دهد؛ مانند؛ وقوع غیبت، جهان قبل از ظهور، علایم ظهور، بشارت‌های ظهور، اوصاف ظاهری امام، سیره حضرت، اوصاف یاران حضرت، جریان قیام و سیمای دوران حکومت.

ج. روایات تبیینی؛ روایاتی که بیان کننده علل غیبت، اهمیت انتظار، وظایف منتظران، حکم بردن نام امام و حکم تعیین وقت ظهور است.

د. روایات تاریخی؛ روایاتی که ولادت امام، نسب امام و معجزات امام مهدی علیه السلام را نقل می کند.

۲. تعداد احادیث معصومان علیهم السلام

تنها با مراجعه به کتاب معجم احادیث الامام
المهدی علیه السلام در می یابیم که نویسندگان آن، ۱۹۴۱
روایت را بدون تکرار نقل می کنند:

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۵۶۰ حدیث، از امام علی علیه السلام
۱۳۰ حدیث، از امام حسن علیه السلام ۹ حدیث، از امام
حسین علیه السلام ۱۰ حدیث، از امام سجاد علیه السلام ۲۲
حدیث، از امام باقر علیه السلام ۶۰ حدیث، از امام
صادق علیه السلام ۲۹۷ حدیث، از امام کاظم علیه السلام ۱۹
حدیث، از امام رضا علیه السلام ۳۰ حدیث، از امام
جواد علیه السلام ۹ حدیث، از امام هادی علیه السلام ۱۳ حدیث از
امام عسکری علیه السلام ۴۲ حدیث. پس از آن ۱۳۰ مورد
توقیع و دعا از امام زمان علیه السلام و بیش از ۵۰۰ حدیث
را در جلد پنجم در ذیل آیاتی که به امام مهدی علیه السلام و
ویژگی های آن حضرت تأویل شده، ذکر می کنند.

۳. راویان احادیث مهدویت از صحابه

با بررسی کتاب‌های اختصاصی امام مهدی علیه السلام و یا کتبی که بخشی از آنها، به ذکر احادیث آن حضرت اختصاص یافته، به این واقعیت پی می‌بریم که حداقل حدود شصت تن از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله، احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را بدون واسطه از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند.

در اینجا تنها به ذکر اسامی برخی از صحابه - که روایات آنان در منابع اهل سنت مطرح شده است - اکتفا می‌کنیم. این خود دلیل بر صدور قطعی روایات امام مهدی علیه السلام از ناحیه رسول خدا صلی الله علیه و آله است و ثابت می‌کند که «مهدویت» در اسلام، از عمیق‌ترین ریشه و عالی‌ترین درجه اعتبار برخوردار است:

۱. فاطمة الزهراء علیها السلام (شهادت ۱۱ هـ)، ۲. معاذ بن جبل (م ۱۸ هـ)، ۳. قتادة بن نعمان (م ۲۳ هـ)، ۴. عمر بن خطاب (م ۲۳ هـ)، ۵. ابوذر غفاری (م ۳۲ هـ)، ۶. عباس بن عبدالمطلب (م ۳۲ هـ)، ۷. عبدالرحمن بن عوف (م ۳۲ هـ)، ۸. عثمان بن عفان (م ۳۵ هـ)، ۹. سلمان فارسی (م ۳۲ هـ)، ۱۰. طلحة بن عبدالله (م ۳۶ هـ)، ۱۱. حذیفة بن یمان (م ۳۶ هـ)، ۱۲. عمار بن یاسر (شهادت: ۳۷ هـ)، ۱۳. امام علی علیه السلام (شهادت:

۱۴. زید بن ثابت (م ۴۵ هـ) ۱۵. تمیم داری (م ۵۰ هـ) ۱۶. امام حسن بن علی علیه السلام (شهادت ۵۰ هـ) ۱۷. عبدالرحمن بن سمره (م ۵۰ هـ) ۱۸. مجمع بن جاریه (م ۵۰ هـ) ۱۹. عمران بن حصین (م ۵۲ هـ) ۲۰. ابو ایوب انصاری (م ۵۲ هـ) ۲۱. ثوبان غلام رسول الله صلی الله علیه و آله (م ۵۴ هـ) ۲۲. عایشه (م ۵۲ هـ) ۲۳. ابوهریره (م ۵۹ هـ) ۲۴. امام حسین علیه السلام (شهادت ۶۱ هـ) ۲۵. علقمة بن قیس بن عبدالله (م ۶۲ هـ) ۲۶. سلمه (م ۶۲ هـ) ۲۷. عبدالله بن عمر (م ۶۵ هـ) ۲۸. عبدالله بن عمرو و عاص (م ۶۵ هـ) ۲۹. عبدالله بن عباس (م ۶۸ هـ) ۳۰. زید بن أرقم (م ۷۴ هـ) ۳۱. عوف بن مالک (م ۷۳ هـ) ۳۲. ابو سعید خدری (م ۷۴ هـ) ۳۳. جابر بن سمره (م ۷۴ هـ) ۳۴. جابر بن عبدالله انصاری (م ۷۸ هـ) ۳۵. عبدالله بن جعفر طیار (م ۸۰ هـ) ۳۶. ابو امامه باهلی (م ۸۱ هـ) ۳۷. بشر بن منذر بن جارود (م ۸۳ هـ) ۳۸. عبدالله بن حارث (م ۸۶ هـ) ۳۹. سهل به سعد ساعدی (م ۹۱ هـ) ۴۰. انس ابن مالک (م ۹۳ هـ) ۴۱. ابوالطفیل (م ۱۰۰ هـ) ۴۲. ام حبیه ۴۳. ابوجحاف ۴۴. ابوسلمی، چوپان رسول الله صلی الله علیه و آله ۴۵. ابولیلی ۴۶. ابواهل حدیقه بن اسید ۴۷. حرث بن ربیع ۴۸. ابوقتاده انصاری ۴۹. زر بن

عبدالله ۵۰. زرارة بن عبدالله ۵۱. عبدالله بن ابی
 أوفی ۵۲. علاء بن بشیر مزنی ۵۳. علی هلالی
 ۵۴. قره بن ایاس ۵۵. عمرو بن مرة جهنی.

نتیجه

با بررسی روایات بحث مهدویت، دو ویژگی و
 امتیاز به دست می آید که اهمیت موضوع مهدویت
 را در میان معارف اسلامی و دینی نشان می دهد و
 پژوهشگران و طالبان طریق سعادت را در راهیابی به
 افق روشن آینده کمک می کند. همچنین راه را بر
 منکران و مخالفان این واقعیت بزرگ هستی
 می بندد.

الف. تواتر احادیث امام مهدی علیه السلام

از ویژگی ها و امتیازات بسیار مهم در یک
 موضوع روایی، تواتر احادیثی است که در مورد آن
 نقل شده است. متواتر بودن روایات آن موضوع،
 باعث می شود که به آن به صورت ویژه توجه شود و
 مطالب و محتوای آن، مورد قبول واقع شده و علاوه
 بر اعتقاد به آن، در کارها و رفتار و برنامه ریزی ها به
 آن توجه گردد و به مفاد آن عمل شود. تواتر
 احادیث در موضوع مهدویت، امری مورد قبول و

مسلم در نزد شیعه و عامه است؛ یعنی، نه تنها شیعیان تواتر احادیث مربوط به امام مهدی علیه السلام را پذیرفته‌اند؛ بلکه علمای عامه نیز بر این مهم اعتراف کرده‌اند. در این قسمت به ذکر نام برخی از علما و دانشمندان عامه که به این ویژگی اشاره کرده‌اند، می‌پردازیم.^۱

۱. محمد حسین آبری شافعی (م ۳۶۳هـ)؛ وی در کتاب مناقب الشافعی چنین می‌گوید:

اخبار بشارت رسول خدا صلی الله علیه و آله به آمدن

مهدی علیه السلام به دلیل کثرت مخبران و راویان

به حد تواتر رسیده است.^۲

۲. قرطبی مالکی (م ۷۶۱هـ)؛^۳

۳. ابن قیم (م ۷۵۱هـ)؛^۴

۴. ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲هـ)؛

۵. سیوطی (م ۹۱۱هـ)؛^۵

۶. ابن حجر هیتمی (م ۹۷۴هـ)؛ وی بارها از اعتقاد

مسلمانان به ظهور امام مهدی علیه السلام دفاع کرده و به

۱. رک: در انتظار قنوس، صص ۷۶-۹۰.

۲. التذكرة، ج ۱، ص ۷۰۱.

۳. همان.

۴. المنار المنيف، ابن قیم، ص ۱۳۵.

۵. ابراز الوهم المکنون، غماری، ص ۴۳۶.

تواتر آن تصریح کرده است.^۱

۷. محمد رسول برزنجی (م ۱۱۰۳ هـ)؛ وی

تصریح می‌کند:

احادیثی که بر وجود مهدی علیه السلام و قیام او

در آخر الزمان و از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و

فرزند فاطمه علیها السلام بودن وی دلالت دارند، به

حد تواتر رسیده و جایی برای انکار آن‌ها

وجود ندارد.^۲

۸. شیخ محمد بن علی صبان (م ۱۰۲۶ هـ).^۳

ب. صحت احادیث امام مهدی علیه السلام

یکی دیگر از ویژگی‌های ارزشمند یک موضوع

روایی، صحیح بودن روایاتی است که در مورد آن

نقل شده است. صحت روایات مربوط به آن

موضوع، باعث می‌شود علاوه بر قبول آن، به محتوا

و مفاد آن نیز توجه شده و به دستورات آنها عمل

شود. با توجه به اینکه صحت احادیث مهدویت

مورد قبول شیعه است؛ از این رو در این بخش فقط

نام برخی از بزرگان اهل سنت - که در نوشتار خود به

۱. الصواعق المحرقة، فصل ۱، باب ۱۱، صص ۱۶۲-۱۶۷.

۲. الاشارة إلى اشراط الساعة، برزنجی، ص ۸۷.

۳. اسعاف الراغبین، صبان، صص ۱۴۵-۱۵۲.

«صحت» این احادیث تصریح کرده‌اند - بیان می‌شود.

۱. ترمذی در سنن ج ۴ (ص ۵۰۵، احادیث

۲۲۳۰، ۲۲۳۱، ۲۲۳۲ و ۲۲۳۲)؛

۲. حافظ ابو جعفر عقیلی در الضعفا الکبیر (ج ۳،

ص ۲۵۳، ح ۱۲۵۷)؛

۳. حاکم نیشابوری در مستدرک (ج ۴، احادیث

۴۲۹، ۴۶۵، ۵۵۳ و ۵۵۸)؛

۴. بیهقی در الاعتقاد والهدایة (ص ۱۲۷)؛

۵. امام بغوی در مصابیح السنة (ص ۴۴۸، ح

۴۱۹۹)؛

۶. ابن اثیر در النهاية (ج ۵، ص ۲۵۴)؛

۷. قرطبی مالکی در التذکرة (ص ۷۰۴)؛

۸. ناصرالدین البانی در حول المهدی (ص ۶۴۴)؛

۹. عبدالعلیم عبدالعظیم البستوی در المهدی

المنتظر.

بخش سوم

امام مهدی (عج) در پرتو احادیث

در این بخش برآنیم با تأملی در برخی احادیث، به زوایای مباحث مهدویت در روایات اشاره کنیم.

فصل ۱. احادیث عام

در این بخش، نخست به تبیین برخی روایات امامت می‌پردازیم و چگونگی دلالت آن را بر حضرت مهدی علیه السلام به عنوان یکی از امامان معصوم علیهم السلام بررسی می‌کنیم. سپس با توجه به روایات خاص «مهدویت»، عرصه‌های مشترک و اختلافی شیعه و سنی را درباره «مهدویت» مطرح می‌کنیم.

در این قسمت سه روایت «ثقلین»، «مَنْ مَاتَ» و «خلفای دوازده گانه» را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱-۱. حدیث ثقلین

حدود ۳۴ تن از اصحاب پیامبر ﷺ این حدیث را نقل کرده‌اند و ۱۸۷ نفر از بزرگان اهل سنت (مانند مسلم، ترمذی و احمد بن حنبل) این حدیث را در کتاب‌های خود آورده‌اند که پیامبر ﷺ آن را در موقعیت‌های مختلف بیان کرده است.^۱

مسلم در صحیح خود از «زید بن ارقم» نقل می‌کند: پیامبر خدا ﷺ روزی در کنار آبی به نام خم (غدیر خم) میان مکه و مدینه خطبه‌ای ایراد کرد و در آن خطبه خدا را ثنا گفت و مردم را نصیحت نمود. آن گاه چنین فرمود:

«أَلَا أَيُّهَا النَّاسُ! فَإِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ يُّوشِكُ
 أَنْ يَأْتِيَ رَسُولُ رَبِّي فَأَجِيبُ» وَ أَنَا تَارِكٌ
 فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: أَوْلُهُمَا كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَى
 وَ النُّورُ فَخُذُوا بِكِتَابِ اللَّهِ وَ اسْتَمْسِكُوا
 بِهِ» فَحَثَّ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ رَغَّبَ فِيهِ ثُمَّ
 قَالَ: وَ أَهْلُ بَيْتِي أَذْكَرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي
 أَذْكَرُكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي أَذْكَرُكُمْ اللَّهُ فِي
 أَهْلِ بَيْتِي».^۲

۱. عبقات الانوار، ج ۲ و ۱، ص ۸۲۴ و ۸۲۵.

۲. مسلم، صحیح، ج ۴، شماره ۲۴۰۸، چاپ عبدالباقی،

ترمذی در سنن این متن را بالفظ «و عِترتی اهل بیّتی» نقل کرده است:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي، أَحَدُهُمَا أَعْظَمُ مِنَ الْآخَرَ: كِتَابَ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَ عِترتی اهل بیّتی لَنْ یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض فانظروا کیف تخلفونی فیهما»^۱

مسلم و ترمذی که از مؤلفان صحاح و سنن می باشند، هر دو بر لفظ «اهل بیت» تأکید دارند. علاوه بر این، حاکم نیشابوری در مستدرک، ابن حجر در صواعق، سیوطی در جامع الصغیر و ملک العلماء در هدایة السعداء بر صحّت این حدیث تأکید دارند. در مقابل روایتی که به جای «اهل بیّتی» لفظ «سنتی» را آورده است، حدیثی مجهول است که علاوه بر ضعف سند، احتمال ساختگی بودن آن وجود دارد.^۲

۱. سنن، ج ۵، ش ۳۷۸۸، ص ۶۶۳.

۲. ر.ک: امام مهدی در حدیث ثقلین، بنیاد فرهنگی امام

۱-۱-۱. «اهل بیت» در حدیث ثقلین

واژه «اهل بیت» پیشینه قرآنی دارد؛ خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً».* در سنن ترمذی، و مسند احمد و مسند عبد بن حمید به نقل از انس آمده است:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يَمُرُّ بِبَابِ فَاطِمَةَ سِتَّةَ أَشْهُرٍ إِذَا خَرَجَ إِلَى صَلَاةِ الْفَجْرِ يَقُولُ: الصَّلَاةُ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ...»^۱

«پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ [برای بیان مراد از اهل بیت] به مدت شش ماه هر روز صبح هنگام رفتن به نماز، از مقابل خانه حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ مرور می‌کرد و می‌فرمود: ای اهل بیت! نماز، به درستی که خداوند اراده کرده است که ببرد...».

اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ کسانی‌اند که در مباحثه حضور داشتند:

*. سوره احزاب (۳۳)، آیه ۳۳.

۱. الدر المنثور، ج ۶، ص ۶۰۶؛ همچنین ر.ک: تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۴۸۴؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۵۲.

«اخرج المسلم عن سعد بن وقاص
قال: لما نزلت هذه الآية ﴿ندع ابناءنا و
ابناءکم﴾^۱ دعا رسولُ الله علیاً و فاطمه
و حسناً و حسیناً فقال: اللهم هؤلاء
اهلی»^۲

«مسلم نیشابوری از سعد بن وقاص نقل
کرد: چون این آیه (معروف به آیه مباحله)
نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله علی و فاطمه و
حسن و حسین علیهما السلام را فراخواند و فرمود:
خدایا! اینان اهل [بیت] من هستند».

اهل بیت کسانی اند که حدیث کسا برای آنان بیان
شده است.^۳

در حدیث ثقلین بر اساس بعضی نقل ها، به جای
کمله «اهل بیت» و یا در کنار آن واژه «عترت» به کار
رفته است. زید بن ثابت می گوید:

قال رسول الله صلی الله علیه و آله انی تارک فیکم الثقلین خلفی
کتاب الله و عترتی فانهما لن یفترقا حتی یردا علی
الحوض». هربی به نقل از محمد بن اسحاق می گوید:

۱. آل عمران (۳)، آیه ۶۱.

۲. صواعق المحرقة، باب ۹، ص ۱۲۱.

۳. ر.ک: صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۳۰؛ صواعق المحرقة،
باب ۱۱، فصل ۱۱، ص ۱۴۳.

«هذا حدیث صحیح».^۱

۱-۱-۲. عترت پیامبر ﷺ

از مفاد حدیث ثقلین، این نکته روشن می شود که پیامبر اکرم ﷺ عترت خویش را در کنار قرآن کریم قرار داده است. اکنون جای این سؤال است که مراد از عترت چه کسانی است؟ و پیامبر اکرم ﷺ چه کسانی از عترت خود را در ردیف قرآن قرار داده و ثقل اصغر خوانده است؟ این اثر می گوید:

عترت انسان به خاص ترین و نزدیک ترین خویشاوندان وی گفته می شود و عترت رسول الله ﷺ فرزندان فاطمه علیها السلام هستند. قول ابن سیده نیز همین است.^۲

پیدا است، مراد از «عترت» و «اهل بیت» در حدیث ثقلین محدود است و همه منسوبان به پیامبر ﷺ را دربر نمی گیرد؛ بلکه مقصود از آن، تنها کسانی اند که به قرینه قرار گرفتن در کنار قرآن، از امتیازات ویژه ای برخوردارند. اینان همتای قرآن و مانند آن ارزشمند هستند و تمسک به آنان مانع از

۱. لسان العرب، ج ۴، ص ۵۳۸.

۲. نهاییه، ج ۳، ص ۱۷۷.

لغزش و انحراف است؛ چنان که علامه مناوی می گوید:

«و الْمُرَادُ بِعِثْرَتِهِ هُنَا الْعُلَمَاءُ الْعَامِلُونَ، إِذْ هُمْ الَّذِينَ لَا يُفَارِقُونَ الْقُرْآنَ». ^۱ یعنی، مقصود از عثرت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تنها افراد دارای علم و پایبند و عالم از خاندان ایشان است؛ چرا که آنان هیچ گاه از قرآن جدا نمی شوند.

چند نکته

بر اساس این حدیث، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دستاورد رسالت خود را دو چیز گرانمایه یکی، «کتاب خدا» و دیگری «عثرت» آن حضرت که از هم جدایی ناپذیر و عامل راهیابی و رستگاری انسانها تا روز قیامت هستند. ملازمت بر این دو از مهم ترین وظایف دینی هر مسلمانی است و تا قیامت پایدار است. به بیان دیگر این حدیث شریف و زیبا حاوی نکات ارزشمندی است:

یکم. همان گونه که کتاب خدا جاویدان است و تا پایان عمر دنیا وجود دارد، یک نفر از اهل بیت نیز همیشه در کنار قرآن تا پایان عمر دنیا خواهد بود.

این نکته از واژه «لن یفترقا» به خوبی روشن می‌شود.
چنان که ابن حجر در صواعق می‌گوید:

فِي أَحَادِيثِ الْحَثِّ عَلَى التَّمَسُّكِ
بِأَهْلِ الْبَيْتِ أَشَارَةٌ إِلَى عَدَمِ انْقِطَاعِ
مُسْتَأْهِلٍ مِنْهُمْ لِلتَّمَسُّكِ بِهِ إِلَى يَوْمِ
الْقِيَامَةِ كَمَا أَنَّ الْكِتَابَ الْعَزِيزَ كَذَلِكَ وَ
لِهَذَا كَانُوا أَمَانًا لِأَهْلِ الْأَرْضِ... ثُمَّ أَحَقَّ مَنْ
يَتَمَسَّكَ بِهِ مِنْهُمْ إِمَامُهُمْ وَعَالَمُهُمْ عَلِيُّ
بْنِ أَبِي طَالِبٍ (كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ)، لَمَّا قَدَّمْنَا
مَنْ مَزِيدَ عِلْمِهِ وَدَقَائِقَ مُسْتَنْبَطَاتِهِ وَمَنْ
ثُمَّ قَالَ أَبُو بَكْرٍ: عَلِيُّ عِتْرَةُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ
أَيُّ الَّذِينَ حَثَّ عَلَى التَّمَسُّكِ بِهِمْ؛^۱ يَعْنِي،
احادیثی که مردمان را به تمسک به اهل
بیت فرا می‌خواند، به این اشاره دارد که از
اهل بیت تا روز قیامت کسی که برای تمسک
شایسته است، همواره وجود دارد؛ چنان که
کتاب خدا چنین است و از این رو آنان سبب
ایمنی و بقا برای اهل زمین هستند...
سزاوارترین فرد از میان ایشان برای تمسک،
امام و عالم آنها علی بن ابی طالب است که
علم فراوان و استنباط‌های دقیق و موشکافانه

دارد، و به همین جهت ابوبکر گفته است:
 «علی علیه السلام عترت رسول خدا است»؛ یعنی،
 از کسانی است که پیامبر خواسته و ترغیب
 کرده مردمان به آنان تمسک جویند.

دوم. همچنان که قرآن حجت بوده و بر مردم
 واجب است از آن پیروی کنند؛ همچنین باید از اهل
 بیت علیهم السلام پیروی و اطاعت کنند. از این رو اهل بیت
 تنها کسانی اند که شایستگی دارند رهبری، امامت و
 سرپرستی امور مردم را به عهده گیرند. معنای دو
 ثقل اکبر و اصغر نیز این است.

سوم. در قرآن هیچ خطا و اشتباهی نیست و
 پیروان واقعی قرآن در هیچ زمانی دچار اشتباه نشده
 و دچار گمراهی و ضلالت نمی گردند. پیامبر ﷺ
 اهل بیت علیهم السلام را در کنار قرآن قرار داده و می فرماید:
 «اگر به هر دو تمسک بجوید، هرگز دچار گمراهی
 نمی شوید». از این فهمیده می شود که اهل بیت علیهم السلام
 نیز هرگز دچار خطا نمی شوند (یعنی دارای ملکه
 عصمت بوده و معصوم می باشند)، زیرا اگر به خطا
 دچار شوند، حتماً باعث گمراهی و ضلالت
 می گردند.

چهارم. این همراهی نتیجه دیگری نیز می دهد و

آن اینکه تنها اهل بیت علیهم‌السلام هستند که می‌توانند محتوای آیات و دقایق لطیف آنها را به صورت درست و کامل در اختیار مردم قرار دهند؛ از این رو برای استفاده صحیح از قرآن باید از رهنمودها و هدایت‌های آنان بهره برد.

پنجم. قرآن دریای بی‌کران معرفت است. اتصال اهل بیت علیهم‌السلام به قرآن، نشانه وسعت علم و ژرفای معرفت آنان است.

۱-۱-۳. مهدی علیه‌السلام در «حدیث ثقلین»

از مباحث گذشته روشن شد که طبق حدیث معروف ثقلین، همیشه فردی از اهل بیت علیهم‌السلام باید در کنار قرآن وجود داشته باشد. اکنون باید بیان کنیم که امام مهدی علیه‌السلام یکی از افراد اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد.

بر اساس احادیث، حضرت مهدی علیه‌السلام فردی از «عترت»، «اهل بیت» و فرزندان پیامبر اکرم صلی‌الله‌و‌آله‌و‌آلهم‌وسلم‌و‌آلهم‌وسلم‌و‌آلهم‌وسلم و یکی از دو شیء گران قدری است که پیامبر صلی‌الله‌و‌آله‌و‌آلهم‌وسلم‌و‌آلهم‌وسلم‌و‌آلهم‌وسلم در «حدیث ثقلین» بدان سفارش کرده است.

ا. مهدی فردی از اهل بیت است:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَنْقُضِي الْأَيَّامَ وَ

لَا يَذْهَبُ الدَّهْرُ حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبُ رَجُلًا
مِنْ أَهْلِ بَيْتِي اسْمُهُ يُوَاطِئُ اسْمِي»^۱

رسول خدا فرمود: روزگار به پایان
نمی‌رسد و عمر دنیا سپری نمی‌شود؛ مگر
اینکه فردی از اهل بیت من، بر عرب حاکم
می‌شود، نامش هم نام من است.

ابو الحسن محمد بن حسین بن ابراهیم ابن عاظم
سجزی می‌گوید:

قد تواترت الاخبار و استفاضت
بکثرة روايتها عن المصطفى صلى الله عليه وآله بمجىء
المهدى و انه من اهل بيته... و انه يملأ
الارض عدلاً و انه يخرج مع عيسى
فيساعده على قتل الدجال... و انه يوم
هذه الامة و عيسى يصلى خلفه؛^۲ يعنى،
درباره آمدن مهدی [و بشارت به ظهور او]
و اینکه مهدی از اهل بیت پیامبر صلى الله عليه وآله
است، اخبار «متواتر» و «مستفیض» است [و
این وعده حتمی است. در این اخبار آمده
که] حضرت مهدی عليه السلام زمین را از عدل پر

۱. مسند احمد، ج ۱، ص ۲۷۶، سنن ابو داود، ج ۴، ص

۱۰۷.

۲. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۸۶-۸۵.

می‌کند و قیام او با ظهور عیسی علیه السلام هم‌زمان است. عیسی علیه السلام، مهدی علیه السلام را در قتل دجال یاری می‌نماید و مهدی علیه السلام بر این امت پیشوایی می‌کند و امام می‌گردد و عیسی علیه السلام پشت سر او نماز می‌گزارد.

ب. مهدی علیه السلام فردی از «عترت» است:

یوسف بن یحیی مقدسی سلمی در نخستین باب کتاب عقد الدرر، عنوان اولین بخش را چنین نام می‌دهد: «فی بیان انه [المهدی] من ذریة رسول الله و عترته»؛ یعنی، «در بیان این مطلب که مهدی علیه السلام از ذریه پیامبر و عترت او است». آن‌گاه ۳۴ حدیث در این باره نقل می‌کند که بعضی از آنها در کتاب‌هایی چون المعجم الکبیر، سنن ابی داود، سنن ابی ماجه، مسند امام احمد و مستدرک الصحیحین آمده است. به عنوان نمونه این حدیث را می‌آورد که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«المهدی من عترتی من ولد فاطمة علیها السلام^۱؛ مهدی از عترت من و از فرزندان فاطمه علیها السلام است.

۱. عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۳۵.

ج. مهدی از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله است:

در دسته‌ای از اخبار، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مهدی علیه السلام را از فرزندان خود می‌خواند: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله: المهدی منی...»^۱ «قال رسول الله صلی الله علیه و آله: المهدی رجل من ولدی...»^۲ و ...

حافظ ابوالقاسم عبدالرحمن نخعی سهیلی در کتاب «شرح سیره رسول الله صلی الله علیه و آله» درباره فضیلت و برتری فاطمه علیها السلام بر زنان جهان می‌نویسد:

و من سوّدها ان المهدی المبشر به فی آخر الزمان من ذریتها فهی مخصوصة بهذه الفضیلة دون غيرها؛ یعنی، از دلایل بزرگی و عظمت فاطمه علیها السلام این است که آن مهدی که مرده ظهور او را در آخر الزمان داده‌اند، از ذریه او است. پس این فضیلت ویژه فاطمه علیها السلام است نه غیر او.^{۳ و ۴}

۱. مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۵۷؛ الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۶۷۲، ح ۹۲۴۴.

۲. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۷، ح ۵، باب ۲۵؛ فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۵، ح ۵۸۷.

۳. عقد الدرر، ص ۲۰۵.

۴. برای آگاهی بیشتر ر.ک: کتاب الله و اهل البيت فی حدیث الثقلین و امام مهدی علیه السلام در حدیث ثقلین، تألیف جمعی از نویسندگان. آنچه در اینجا آمده بود اقتباس از آن کتاب است.

بنابر آنچه بیان شد به روشنی درمی یابیم که امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام یکی از فرزندان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و عترت و اهل بیت آن حضرت است که مصداق حدیث ثقلین می باشد و هیچ گاه از قرآن جدا نمی شود و سیره و روش ایشان بر اساس کتاب شریف الهی است. بشر نیز در این زمان جز با تمسک به قرآن و تبعیت از دستورات آن حضرت، از سرچشمه هدایت سیراب نخواهد شد.

۱-۲. حدیث «من مات»

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرماید:

«من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية»؛ هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.^۱

در میان اهل سنت صاحبان صحاح سته این حدیث را از هفت نفر از صحابه نقل کرده اند: ۱. زید بن ارقم؛ ۲. عامر بن ربیع غنری؛ ۳. عبدالله بن عباس؛ ۴. عبدالله بن عمر؛ ۵. ابوالدرداء؛ ۶. معاذ بن جبل؛ ۷. معاویه بن ابی سفیان.

۱. صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۳؛ صحیح مسلم، ج ۶، ص

علاوه بر این هفت نفر، احادیث مشابهی نیز از ابوهریره و انس بن مالک نقل شده است. کافی است بدانیم که تنها علامه مجلسی (ره) این حدیث را با چهل سند از طرق اختصاصی شیعه در بحارالانوار آورده است.^۱

علمای اهل سنت این حدیث را در پیش از هفتاد کتاب از منابع حدیثی خود آورده‌اند که بعضی از آنها عبارت است از ۱. سنن ابوداود؛ ۲. مصنف حافظ عبدالرزاق بن همام صنعانی؛ ۳. سنن سعید بن منصور خراسانی؛ ۴. طبقات الکبری محمد بن سعد کاتب واقدی؛ ۵. مسند حافظ ابوالحسن علی بن جعد جوهری؛ ۶. مصنف ابن شیبه؛ ۷. صحیح بخاری ۸. صحیح مسلم و...^۲

یکی از محققان، از میان ۳۳ متن این حدیث سی متن آن را آورده و دسته‌بندی کرده است که در این میان ده متن آن به اهل سنت و سیزده متن آن به شیعه اختصاص دارد. هفت متن باقی مانده نیز عیناً در منابع مورد اعتماد شیعه و سنی ذکر شده است. ایشان به ذکر اسامی افرادی که مدعی «متواتر» بودن این

۱. بحارالانوار، ج ۲۳، صص ۷۶-۹۵.

۲. فقیه ایمانی، شناخت امام مهدی علیه السلام، صص ۳۰-۴۰.

حدیث هستند، می‌پردازد و از افرادی مانند شیخ مفید، شیخ بهایی، علامه مجلسی، قندوزی حنفی و قاضی بهلول، بهجت افندی، زنگنه، زوری و ابن ابی الحدید نام می‌برد.^۱

این حدیث با وجود فراوانی متون و اختلاف در بعضی کلمات، اکثراً با عبارت «مات میتة جاهلیة» و گاهی هم با عبارت «مات یهودیاً او نصرانیاً» یا با تعبیری که بیانگر سوء عاقبت چنین فردی است، به پایان می‌رسد.

بخش ابتدایی این احادیث از دو حال خارج نیست: گروهی با «من مات» شروع می‌گردد و نتیجه عدم شناخت امام زمان را مرگ جاهلی می‌داند و بخشی دیگر، با الفاظی چون «من خرج» شروع می‌شود و تمرّد و نافرمانی از امام را به مرگ جاهلی منتهی می‌داند. امامی که شناختن او مرگ جاهلی و سرپیچی از دستوراتش جهنم را در پی دارد، امام واجد شرایط و دعوت کننده به امر الهی است؛ نه امام کفر و دعوت کننده به آتش و آلوده به انواع فسق و فجور.

بر این اساس چنین امامی قبل از هر چیز باید:

۱. دارای بالاترین مقام علمی و شایستگی همه جانبه‌ای باشد که بتواند در قلمروی وسیع و پهناور، امامت و رهبری اسلامی را بر عهده گیرد تا مسلمانان در صورت شناخت او و پیروی از دستوراتش، از مرگ جاهلی رهایی یابند.

۲. از پاکی همه جانبه و مصونیت از هوا و خطا برخوردار باشد تا نه تنها خود دچار کج روی‌های عقیدتی، علمی و عملی نگردد؛ بلکه گروه‌ها و افراد را نیز به حق رهنمون شود. چنین امامی است که شناخت یا عدم شناخت او، سرنوشت ساز است و بهشت یا جهنم را برای آدمی مسجّل می‌کند.

با توجه به نوشته مورخان، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آغاز امر نبوت و نخستین روزهای بعثت، این حقیقت را گوشزد فرمود که هیچ فرد یا گروهی - حتی خود حضرت - در تعیین زمامدار و خلیفه بعد از خود مستقل نیست؛ بلکه اختیار و انتخاب آن به دست خداوند است.

به عنوان نمونه قبیله بنی عامر بن صعصعه به آن حضرت گفتند: اگر از تو پیروی کنیم و تو بر مخالفان خود پیروز شوی آیا زمام امور بعد از خود را به

دست ما می دهی؟ رسول خدا فرمود:

«زمام امر به دست خدا است و هر طوری که او بخواهد عمل می کند».^۱

بر این اساس امامت و خلافت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله چیزی نیست که به مردم واگذار شود. اگر طبق عقیده اهل سنت اختیار این کار به خود امت واگذار شود، دیگر معنا ندارد که مسلمانان را ترغیب کنند که امام خود را بشناسند تا مبادا بر اثر نشناختن او، گرفتار مرگ جاهلی شوند و سرنوشت آنان به جهنم منتهی گردد؛ چرا که خودشان امام را انتخاب کرده اند.

با دقت در حدیث «من مات...» و آنچه گفته شد نکات زیر به دست می آید:^۲

۱. ضرورت اصل امامت و رهبری واجد شرایط در نظام عقیدتی اسلام؛
۲. ضرورت استمرار امامت و وجود امام در هر زمانی؛
۳. تعداد امام برحسب زمان مختلف است، نه بر حسب کشورها و نژادها؛
۴. نشناختن امام زمان در هر عصری، انسان را به

۱. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۶۶.

۲. فقیه ایمانی، شناخت امام مهدی علیه السلام، صص ۷۸-۸۰.

مرگ جاهلیت می میراند؛

۵. لزوم اعلم و اتقی بودن امام؛

۶. نفی امامت عموم متصدیان و مدعیان خلافت

که شرایط آن را ندارند؛ (به دلیل انطباق نداشتن راه

و رسم آنها با امام زمان، و اینکه هیچ کس شناختن

آنان را موجب مرگ جاهلیت نمی داند)؛

۷. خلاصه شدن راه‌های شناخت امام زمان، در

معرفی از سوی پیامبر یا امام پیشین و یا اظهار

معجزه؛

۸. هر کس در برابر سؤال از امام زمان خود

پاسخی نداشته باشد و بر آن حال بمیرد، به مرگ

جاهلیت مرده است؛

۹. با توجه به قطعی بودن حدیث «من مات» تنها

شیعه دوازده امامی در پرتو عقیده راستین به امامت

ائمہ اثنا عشر - که آخرین آنان حضرت مهدی

موعود علیه السلام است - مصداق بی چون و چرای این

حدیث است (شرایطی که امام باید داشته باشد، تنها

در امامان دوازده گانه شیعه یافت می شود)؛

۱۰. بر اساس این حدیث و احادیث دیگر درباره

تعداد خلفای پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان دوازده گانه ائمه،

شکی نیست که دوازدهمین امام و خلیفه رسول

خدا سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حضرت مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام است.^۱

۱-۳. حدیث «اثنا عشر خلیفه»

جابر بن سمره می گوید:

«سمعت رسول الله يقول: لا يزال الاسلام عزيزاً الى اثني عشر خليفة ثم قال كلمة لم اسمعها فقلت لأبي ما قال؟ فقال كلهم من قریش»^۲

شنیدم پیامبر خدا می فرمود: همواره اسلام در سایه دوازده خلیفه «من» عزیز می ماند. سپس کلمه ای فرمود که من نشنیدم، پس به پدرم گفتم: چه فرمود؟ گفت: همه آنان از قریش هستند.

این حدیث را فریقین^۳ در کتاب های حدیثی خود نقل کرده اند و همگی صدور آن را از پیامبر اکرم (ص) قبول دارند. بنابراین مهم آن است که بدانیم این دوازده خلیفه پیامبر سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چه کسانی اند. از دو طریق می توان به مراد آن حضرت پی برد که یکی

۱. برگرفته از شناخت امام و اصالت مهدویت در اسلام از دیدگاه اهل تسنن.

۲. صحیح مسلم، ج ۶، چاپ مصر، ص ۱۰۲.

۳. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۴۷، ح ۷۹، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۵۳، ح ۵؛ غیبت طوسی، ص ۸۸؛ غیبت نعمانی، ص ۷۵.

مراجعه به روایات و دیگری بررسی تاریخی است.

۳-۱. بررسی روایات

برای فهم درست کلام هر گوینده‌ای، باید به قرینه‌های موجود در کلام او توجه کرد و کلمات دیگر او را در نظر گرفت تا مراد از امور مجمل روشن شود. با مراجعه به احادیث نبوی می‌بینیم که آن حضرت به روشنی مراد خویش را از دوازه خلیفه به طور مکرر بیان کرده است؛ از جمله:

۱. محمد بن ابراهیم حمّوئی شافعی از عبدالله بن

عباس نقل می‌کند:

«قال رسول الله ﷺ: ان خلفائی و

اوصیائی و حجج الله على الخلق بعدی

إثنی عشر، أولهم اخی و آخرهم ولدی.

قیل یا رسول الله و من اخوک؟ قال: علی

بن ابی طالب، قیل: و من ولدک؟ قال:

المهدی الذی یملا الارض قسطاً و عدلاً

كما ملئت جوراً و ظلماً»؛^۱

رسول خدا ﷺ فرمود: خلفا و اوصیای

من و حجت‌های خدا بر خلق پس از من

دوازده نفر هستند: اولین آنان برادرم و

۱. فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۱۲، ح ۵۶۲.

آخرین آنان پسر من است. گفته شد: ای رسول خدا: برادر شما کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب. سؤال شد: فرزند شما کیست؟ فرمود: مهدی و او همان کسی است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همان‌گونه که سرشار از ظلم و جور شده باشد.

در این حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای تبیین مراد از دوازده خلیفه، به معرفی امام اول و امام دوازدهم اکتفاء می‌کند؛ در حالی که در مواقع دیگر اسامی همه دوازده خلیفه را بیان می‌کند و حتی اسم پدرانشان را نیز برمی‌شمرد.

۲. پیامبر اکرم فرمود: صلی الله علیه و آله «ان وصیی و الخلیفة من بعدی علی بن ابی طالب و بعده سبطای الحسن ثم الحسین یتلوه تسعة من صلب الحسین ائمة ابرار. قال [نعثل] یا محمد فسمهم لی قال: نعم اذا مضی الحسین فابنه علی، فاذا مضی علی فابنه محمد فاذا مضی محمد فابنه جعفر فاذا مضی جعفر فابنه موسی فاذا مضی موسی فابنه علی فاذا مضی علی فابنه محمد ثم ابنه علی ثم ابنه حسن ثم الحجة بن الحسن، فهذه اثنا عشر ائمة عَدَدَ نقباء بنی اسرائیل»؛^۱

۱. فرائد السمطين، ج ۲، ص ۱۳۳، ذیل حدیث ۴۳۱؛
ینابیع المودة، باب ۷۶، ص ۴۴۱.

جانشین و خلیفه بعد از من علی بن ابی طالب علیه السلام است و بعد از او دو نوه من حسن علیه السلام و سپس حسین علیه السلام هستند. سپس نه فرزند حسین علیه السلام امام خواهند بود. [نعثل] گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله آن نه نفر را نام ببر. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: وقتی حسین علیه السلام از دنیا رفت، فرزندش علی علیه السلام امام است و هنگامی که علی علیه السلام از دنیا رفت، فرزندش محمد علیه السلام به امامت می رسد و چون محمد علیه السلام از دنیا رفت، پسرش جعفر علیه السلام امام خواهد شد و وقتی جعفر علیه السلام از دنیا برود، فرزندش موسی علیه السلام امام است و هنگامی که موسی علیه السلام درگذشت، پسرش علی علیه السلام و بعد از او فرزندش حسن علیه السلام و بعد از او حجة بن الحسن علیه السلام امام خواهد بود. اینان دوازده امام به عدد نقبای بنی اسرائیل هستند.

با توجه به این روایات و احادیث دیگر شیعه و سنی، روشن می شود که مراد از دوازده خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله، همین امامان دوازده گانه است.

۲-۳. بررسی تاریخی

در تاریخ اسلام، دوازده خلیفه ای که حافظ و نگهبان عزت اسلام باشند - جز دوازده امامی که شیعه به آنان معتقد است - نمی توان یافت؛ زیرا دوازده خلیفه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بلافاصله پس از آن حضرت به عنوان خلیفه ایشان معرفی شدند، از

طرفی مایه عزت اسلام بودند و هیچ وقت اسلام بدون آنان نبوده است. چنان که از ظاهر «لایزال» فهمیده می شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله در هیچ زمانی بدون خلیفه نبوده است. حال باید دید این دوازده نفر کیستند؟ تاریخ زندگی خلفای اموی و عباسی نشان می دهد که آنان هیچ وقت مایه عزت اسلام نبودند! ولی دوازده امام شیعه علیهم السلام - که همگی در عصر خود مظهر تقوا و حافظ سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده اند، پیوسته مورد توجه صحابه و تابعین و نسل های بعدی قرار داشتند و به علم و وثاقت معروف بودند.

علاوه بر این، کسی غیر از شیعه، دوازده امامی را که از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله تا آخر دنیا استمرار داشته باشد، معرفی نکرده است، اگر تنها مصداق حدیث «اثنی عشر خلیفه» را بپذیریم، با مراجعه به تاریخ می بینیم که یازده امام آمده و شهید شده اند و اکنون دوران امامت و خلافت دوازدهمین امام - حضرت مهدی علیه السلام - است.

خلاصه:

مجموع اخباری که با عنوان «اثنی عشر خلیفه» و تعابیر همانند آن آمده، نشانگر این است که:

۱. امامان دوازده نفر هستند.
۲. امامت آنان تا پایان دنیا مستمر است؛ (با توجه به جمله «لایزال الاسلام و لاینقضی»).
۳. همگی آنان از قریش هستند.
۴. غیر از شیعه کسی چنین ادعایی ندارد.
۵. حضرت مهدی علیه السلام، دوازدهمین امامی است که از سال ۲۶۰ امامت را بر عهده دارد. پس آن ثقل همدوش قرآن که باید به آن تمسک نمود و خلیفه‌ای که در پرتو امامت او، اسلام عزیز می‌گردد و شناختن او باعث خروج از اسلام می‌شود، همان حضرت مهدی علیه السلام است.

فصل ۲. احادیث خاص

از آنچه در بخش نخست گذشت، دانستیم که همه معصومین علیهم‌السلام درباره «مهدویت» سخن گفته‌اند و کمتر راوی وجود دارد که درباره آن روایتی نقل نکرده باشد. در جوامع روایی، بیش از دو هزار حدیث در این باره نقل شده است. برای نمونه مؤلف منتخب الاثر با استفاده از ۱۵۷ منبع شیعی و سنی، قریب ۹۰۰ روایت را بدون تکرار و به طور کامل ذکر می‌نماید. در اینجا از میان احادیث فراوان و مباحث گسترده، به بیان موارد مشترک مسائل مهدویت در روایات شیعه و سنی می‌پردازیم و سپس برخی از موارد اختلافی را نیز به طور خلاصه بیان می‌کنیم.

یک. عرصه‌های مشترک

در زمینه «مهدویت» مسائلی مورد اتفاق شیعه و اهل سنت است که با اشاره به برخی از آنها برای هر یک، شاهدی از روایات فریقین یا کلمات علمای آنان می‌آوریم.

از آنجا که این روایات در مصادر حدیثی مورد

قبول اهل سنت است؛ لذا آنها را به عنوان نظر آنان قلمداد می‌کنیم.^۱

۱- اصل مهدویت

یکی از موارد اتفاقی بین شیعه و اهل سنت در قضیه مهدویت، اتفاق بر اصل آن است. امت اسلامی - به غیر از گروهی اندک از غربزدگان و روشنفکر نمایان مانند احمد امین مصری - بر این مسأله اتفاق دارند که در آخر الزمان شخصی به نام مهدی علیه السلام از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله ظهور کرده و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.

علت اصلی تأکید بر این اعتقاد، وجود تعداد بسیار و در حد تواتر روایات درباره این قضیه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. معلوم است که هر قضیه‌ای که به حد «تواتر» برسد، از دایره شک و تردید خارج شده و انسان را به یقین می‌رساند. شهید صدر در این باره می‌گوید:

به راستی اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام

۱. با استفاده از کتاب شیعه‌شناسی و پاسخ به شبهات تألیف علی اصغر رضوانی و مجله طلوع، شماره پنج، مقاله موارد اتفاق مذاهب در قضیه مهدویت، صص ۲۱

به عنوان پیشوای منتظر برای تغییر جهان به عالمی بهتر، در احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به طور عموم و به ویژه در روایات اهل بیت علیهم السلام آمده است. در روایات فراوان، به طور جدی بر این مسأله تأکید شده که جای هیچ شکی را برای انسان باقی نمی‌گذارد.

تنها از طرق برادران اهل سنت حدود چهارصد روایت از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره حضرت مهدی علیه السلام احصا و شمارش شده و بیش از شش هزار روایت برآورده گشته است. این رقم بزرگی است که در بسیاری از قضایای اسلامی بدیهی، نظیری برای آن وجود ندارد؛ قضایایی که معمولاً مسلمانان در آن تردید نمی‌کنند.^۱

حافظ ابن حجر عسقلانی می‌گوید:

تواترت الاخبار بان المهدي من هذه
الامة^۲؛ اخبار به حد تواتر دلالت دارد بر
اینکه مهدی علیه السلام از این امت (اسلام)
است.

۱. بحوث حول المهدي، ص ۶۲ و ۶۳.

۲. فتح الباری، ج ۵، ص ۳۶۲.

قاضی شوکانی می گوید:

و هی متواتره بلاشک و لاشبهه^۱،
احادیث مهدی بدون شک و شبهه متواتر
است.

ابن حجر هیثمی می گوید:

و الاحادیث التي جاء فيها ذكر ظهور
المهدي عليه السلام كثيرة متواترة^۲، احادیثی که
در آن به ظهور مهدی عليه السلام اشاره شده، بسیار
زیاد و در حد تواتر است.

قرمانی دمشقی می گوید:

اتفق العلماء على ان المهدي هو القائم
في آخر الزمان و قد تعاضدت الاخبار
على ظهوره^۳، علما بر این امر اتفاق دارند که
مهدی همان قیام کننده در آخر الزمان است
و اخبار و احادیث ظهور آن حضرت،
یکدیگر را تأیید می کنند.

مبارکفوری می گوید:

و اعلم ان المشهور بين كافة من اهل

۱. ابراز الوهم المکنون، ص ۴.

۲. صواعق المحرقة، ج ۲، ص ۲۱۱.

۳. اخبار الدول و آثار الاول، ج ۱، ص ۴۶۳.

الاسلام علی ممر الاعصار انه لا ید فی
 آخر الزمان من ظهور رجل من اهل
 البیت یسمی بالمهدی^۱؛ بدان که مشهور
 بین تمام مسلمانان در طول زمان‌ها این است
 که به طور حتم در آخر الزمان، شخصی از
 اهل بیت ظهور خواهد کرد. او مهدی نام
 دارد.

۱-۲. وجوب اعتقاد به امر مهدی علیه السلام

قضیه امام مهدی علیه السلام از امور غیبی است که از
 طریق وحی به آن خبر داده شده است. قرآن به
 صراحت بر این نکته تأکید دارد که یکی از نشانه‌های
 پرهیزکاران، ایمان به غیب است:

﴿ذلک الکتاب لاریب فیه هدی
 للمتقین الذین یؤمنون بالغیب...﴾^۲؛ «آن
 کتاب (قرآن) تردیدی در آن نیست،
 هدایت برای متقین است. کسانی که به غیب
 ایمان دارند...».

شیخ صدوق با تمسک به این دو آیه می‌گوید:
 و لا یكون الايمان صحيحاً من مؤمن

۱. تحفه الاحوذی، شرح حدیث ۲۳۳۱.

۲. بقره (۲)، آیه ۲ و ۳.

الّا من بعد علمه بحال من يؤمن به...
 كذلك لن ينفع ايمان من آمن بالمهدى
 القائم عليه السلام حتى يكون عارفاً بشأنه فى
 حال غيبته؛ هیچ مؤمنی ایمان صحیح
 نخواهد داشت مگر بعد از اینکه علم پیدا
 کرد به احوال کسی که باید به او ایمان
 آورد... و همچنین ایمان کسی که
 مهدی عليه السلام را پذیرفته، نفعی به او
 نمی‌رساند؛ مگر در صورتی که عارف به
 شأن آن حضرت در زمان غیبت باشد.^۱

به همین سبب در روایات شیعه و سنی منکر
 خروج مهدی عليه السلام، کافر شمرده شده است. جابر بن
 عبد الله از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند:

«من انكر خروج المهدى عليه السلام فقد كفر
 بما انزل على محمد صلی الله علیه و آله»؛^۲ کسی که منکر
 خروج مهدی عليه السلام است به آنچه بر
 محمد صلی الله علیه و آله نازل شده، کافر گردیده است.

امام صادق عليه السلام در روایتی در بیان مصادیق غیب -
 که ایمان به آن لازم است - می‌فرماید:

«متقين، شيعيان امام علي عليه السلام هستند، او

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۹۰.

۲. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۸۳.

یکی از مصادیق [غیب نیز همان حجت غایب است؛ یعنی، مهدی منتظر] ^۱ در میان اهل سنت، احمد بن محمد بن صدیق می گوید:

الایمان بخروجه واجب و اعتقاد ظهوره تصدیقاً لخبر الرسول محتم ^۲؛ ایمان به خروج مهدی صلی الله علیه و آله واجب و اعتقاد به ظهور او به جهت تصدیق خبر پیامبر صلی الله علیه و آله حتمی و ثابت است.

سفارینی حنبلی می گوید:

الایمان بخروج المهدی واجب کما مقرر عند اهل العلم و مدون فی عقاید اهل السنة و الجماعة ^۳؛ ایمان به خروج مهدی واجب است، همان گونه که نزد اهل علم ثابت و در عقاید اهل سنت و جماعت مدون است.

شیخ ناصر الدین البانی وهابی می گوید:

ان عقیده خروج المهدی عقیده ثابتة متواترة عنه صلی الله علیه و آله يجب الایمان به لانها

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴.

۲. ابراز الوهم المکنون، صص ۴۳۳ - ۴۳۶.

۳. الاذاعه، ۱۴۶.

من امور الغیب و الایمان بها من صفات
المتقین؛ همانا عقیده به خروج مهدی علیه السلام
عقیده‌ای ثابت و متواتر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
است که ایمان به آن واجب است؛ زیرا این
عقیده از اموری است که ایمان به آن در
قرآن، از صفات پرهیزکاران شمرده شده
است.^۱

۱-۳. جهانی بودن دعوت و حکومت مهدی علیه السلام

فراگیر بودن دعوت و حکومت جهانی حضرت
مهدی علیه السلام مورد اتفاق فریقین است و آیات و
روایات بسیاری بر این مسأله دلالت دارد.

خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿و لقد كتبنا فی
الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی
الصالحون﴾.^۲ همان گونه که در آیه‌ای دیگر
می‌فرماید: ﴿و وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا
الصالحات لیستخلفنهم فی الارض﴾.^۳

علاوه بر این آیات، روایات فریقین نیز بر این
موضوع دلالت دارد. حاکم نیشابوری از ابو سعید

۱. مجله التمدن الاسلامی، ش ۲۲، ص ۶۴۳.

۲. انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۵.

۳. نور (۲۴)، آیه ۵۵.

خدری نقل می‌کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«تُمَلَأُ الْأَرْضُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا فَيُخْرَجُ
رَجُلٌ مِنْ عَتْرَتِي يَمْلِكُ الْأَرْضَ سَبْعًا أَوْ
تِسْعًا فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا»؛ زمین
از ستم و ظلم پر می‌شود. در این هنگام
شخصی از عترتم خروج کرده، مدت هفت
یا نه [سال] مالک کل زمین خواهد شد و در
این هنگام زمین را پر از عدل و داد می‌کند.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«يَمْلِكُ الْقَائِمُ ثَلَاثَ مَائَةِ سَنَةٍ وَ
يَزِدَادُ تِسْعًا كَمَا لَبِثَ أَهْلُ الْكَهْفِ فِي
كَهْفِهِمْ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا
مَلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا فَيَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ شَرْقَ
الْأَرْضِ وَ غَرْبَهَا... حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا دِينُ
مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله»؛^۲

امام مهدی علیه السلام ۳۰۹ سال حاکم بر زمین
می‌شود، همان مقدار که اصحاب کهف در
غارشان درنگ کردند، و زمین را پر از عدل و
داد می‌کند، همان‌گونه که پر از ظلم و جور

۱. مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۵۵۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰، ح ۲۱۲.

شده باشد. خداوند برای او شرق و غرب
عالم را فتح می‌کند تا تنها دین محمد صلی الله علیه و آله بر
روی زمین باقی بماند.

۱-۴. نزول عیسی و اقتدا به امام زمان علیه السلام

روایات اسلامی بر این امر اتفاق دارند که هنگام
خروج امام مهدی علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام از
آسمان فرود می‌آید و در نماز به آن امام اقتدا
می‌کند. ابوهریره از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند:

«کیف انتم اذا نزل ابن مریم فیکم و
امامکم منکم»؛^۱ چگونه اید زمانی که
فرزند مریم فرود می‌آید، در حالی که امام
شما فردی از خودتان است؟

ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:
«و ینزل روح الله عیسی ابن
مریم علیه السلام فیصلی خلفه...»؛^۲ نازل می‌شود
روح الله عیسی بن مریم، پس نماز می‌خواند
پشت سر او (امام مهدی علیه السلام).

۱-۵. خسف بیداء

از دیگر امور اتفاقی در مورد امام مهدی علیه السلام بیان

۱. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۲۷۲، ح ۳۲۶۵.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۵، ح ۳۱.

علایم ظهور است. عایشه از پیامبر ﷺ نقل کرده است:

«یغزو جيش الكعبة فاذا كانوا ببيداء
من الارض يخسف بأولهم و آخرهم»^۱
لشگری آهنگ کعبه می‌کنند، پس هنگامی
به زمین بیداء در آمدند، [زمین] همه آنها را
فرو می‌برد.

جابر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

«فينزل امير جيش السفیانی البیداء
فینادی مناد من السماء یا بیداء ابیدی
القوم فیسحف بهم...»^۲ پس فرود می‌آید
امیر لشکر سفیانی [همراه با لشکرش] به
[زمین] بیداء، پس منادی از آسمان ندا
می‌دهد: ای [زمین] بیداء نابود کن قوم
(لشکر) را. پس آنها را در خود فرو می‌برد.

۱-۶. اتفاق بر لقب «مهدی» علیه السلام

یکی دیگر از اموری که مسلمانان درباره امام
مهدی علیه السلام بر آن اتفاق دارند، لقب شریفی است که
به آن وجود مقدس اطلاق شده و آن «مهدی» است.

۱. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۷۴۶، ح ۲۰۱۲.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۷۹، ح ۶۷.

کعب گوید:

انما سمی المهدی لانه یهدی لامر قد
خفی؛^۱ به درستی که او را مهدی علیه السلام
نامیدند، زیرا هدایت می‌کند (یا هدایت
می‌شود) به امری که مخفی است.
منظور از امر خفی، همان تورات و انجیل است که
مخفی هستند و کسی جایشان را نمی‌داند.^۲
از ابوسعید خراسانی نقل شده است:

«قلت لأبی عبدالله علیه السلام: المهدی و
القائم واحد؟ فقال: نعم. فقلت: لأی شیئ
سمی المهدی؟ قال: لانه یهدی الی کل امر
خفی»؛^۳ «به امام صادق علیه السلام گفتم: مهدی و
قائم یک نفر است؟ فرمود: آری. پس
پرسیدم: چرا او را مهدی نامیدند؟ فرمود:
چون هدایت می‌شود به هر امر مخفی».

۱-۷. امداد الهی

از جمله اموری که نزد فریقین درباره وجود

۱. الجامع معمر بن راشد، ج ۱۱؛ مصنف صنعانی، ص ۳۲۷،

ح ۲۰۷۷۲.

۲. فتن، نعیم بن حماد، ج ۱، ص ۳۵۷.

۳. غیبت طوسی، ص ۴۷۱.

مقدس امام مهدی علیه السلام مشترک است، مسأله امدادهای خاص الهی است. این امدادها به صورت‌های گوناگون در احادیث به تصویر کشیده شده که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

ابوهریره از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند:

«لاتقوم الساعة حتى تقاتلوا اليهود

حتى يقول الحجر وراء اليهودی یا

مسلم هذا یهودی ورائی فاقتله»؛^۱

«ساعت برپا نمی‌شود تا اینکه با یهود جنگ

و مقاتله خواهد شد. حتی سنگی که در

پشت او یهودی مخفی شده، می‌گوید: ای

مسلمان! پشت من یک یهودی است او را

بکش».

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

«فاذا خرج القائم لم یبق کافر بالله

العظیم و لامشرك بالامام الأکره

خروجه حتی ان لو کان کافرا او مشرکا

فی بطن صخرة لقات یا مؤمن فی بطنی

کافر فاکسرنی واقتله»؛^۲ «هنگامی که

۱. صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۰۷۰، ح ۲۷۶۸.

۲. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۷۰، ح ۱۶.

قائم علیه السلام خروج کند باقی نمی ماند کافری به
 خدای بزرگ و نه مشرکی به امام؛ مگر اینکه
 دوست ندارد خروج او را، [چرا که در زمان
 خروج او] حتی اگر کافر یا مشرکی خود را در
 داخل سنگی قرار دهد، هر آینه آن صخره
 می گوید: ای مؤمن! در داخل من کافری
 است مرا بشکن و او را بکش»

۸-۱. طلوع خورشید از مغرب

یکی از مواردی که هم عامه و هم خاصه در مورد
 وقایع مقارن با عصر ظهور امام مهدی علیه السلام به آن
 اشاره دارند، طلوع خورشید از مغرب است.
 ابوهریره از قول پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند:

«لا تقوم الساعة حتى تطلع الشمس من
 مغربها فاذا طلعت فرآها الناس آمنوا
 أجمعون فذلک حین لا ینفع نفسا ایمانها
 لم تکن آمنت من قبل او کسبت فی
 ایمانها خیراً»؛^۱ «قیامت برپا نمی شود تا
 اینکه طلوع کند خورشید از مغربش؛ پس
 هنگامی که طلوع کرد و مردم او را دیدند
 همه ایمان می آورند. پس آن زمان ایمان

۱. صحیح بخاری، ج ۵، ص ۲۳۸۶، ح ۶۱۴۱.

کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا به دست
نیاورده در ایمانش خیری را (فقط ایمان
ظاهری داشته) نفعی ندارد».

۹-۱. مهدی علیه السلام از فرزندان فاطمه علیها السلام

یکی دیگر از موارد مشترک بین عامه و خاصه
این است که حضرت مهدی از اهل بیت پیامبر
اکرم صلی الله علیه و آله و از فرزندان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است.
ام سلمه در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند:

«المهدی من عترتی من ولد فاطمة»؛^۱

«مهدی از عترت من از فرزندان فاطمه علیها السلام
است».

۱۰-۱. مشخصات ظاهری امام

با توجه به اینکه امام مهدی علیه السلام پس از غیبتی
طولانی ظهور خواهد کرد و مردم ایشان را قبلاً
نمی شناختند، لذا در روایات به مشخصات ظاهری
آن بزرگوار اشاره شده است و فریقین اینگونه
روایات را در کتاب های روایی خود ذکر کرده اند.
ابوسعید خدری از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل می کند:

«المهدی منی، أجلي الجبهة، أقبی

۱. سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۷، ح ۴۲۴۸؛ غیبت طوسی،
ص ۱۸۵.

الأنف، يملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما
 ملئت جوراً و ظلماً؛^۱ «مهدی علیه السلام از من
 است، پیشانی او آشکار و هویدا است، بینی
 بلند و کشیده دارد. زمین را پر از عدل و داد
 می‌کند، همان‌گونه که پر از ظلم و جور شده
 است.»

ابی وائل می‌گوید: امام علی علیه السلام به حسین علیه السلام
 نظری کرد و فرمود:

«و سيخرج الله من صلبه رجلاً باسم
 نبیکم... و هو رجل اجلی الجبین و اقنی
 الانف... و يملأ الارض عدلاً كما ملئت
 ظلماً و جوراً»؛^۲ «به زودی خداوند خارج
 می‌کند از صلب او [حسین علیه السلام]
 مردی را که هم نام پیامبران است... و او
 مردی بلند پیشانی و کشیده بینی است... او
 پر می‌کند زمین را از عدل، همان‌گونه که از
 ظلم و ستم پر شده است.»

۱-۱۱. فراوانی نعمت در زمان امام علیه السلام

یکی دیگر از موارد مشترک بین عامه و خاصه،

۱. سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۷، ح ۴۲۸۵.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۱۴، ح ۲.

ویژگی دوران ظهور و خیر و برکت فراوان و نعمات بی پایان الهی است که در اختیار مردمان زمان او قرار می‌گیرد. ابوسعید خدری از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند:

«يكون في امتي المهدي ان قصر فسبع

و الا فتسع فتنعم فيه امتي نعمة لم ينعموا

مثلها قط... و المال يومئذ كدوس فيقوم

الرجل فيقول يا مهدى اعطني فيقول

خذ»؛^۱ «در امت من مهدی، اگر [مدت او]

کوتاه باشد هفت سال وگرنه نه سال

[حکومت می‌کند] پس متنعّم می‌شوند در

[زمان] او امت من به نعماتی که هرگز مثل آن

متنعّم نشده بودند... و مال در این هنگام

(نزد او) متراکم و جمع است. پس مردی بر

می‌خیزد و می‌گوید: ای مهدی! عطا کن. پس

می‌گوید: بگیر».

عبد خیر می‌گوید: از امیر مؤمنان علی عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ شنیدم

که فرمود:

«قال لي رسول الله صلى الله عليه و

آله يا علي! الاثمة الراشدون المهتدون

المعصومون من ولدك احد عشر اماما و

انت اولهم و آخرهم اسمہ اسمی یخرج
 فیملء الأرض عدلا کما ملئت جورا و
 ظلما یأتیه الرجل و المال کدوس
 (مجموع) فیقول یا مهدی اعطنی فیقول
 خذ؛^۱ «پیامبر به من فرمود: ای امامان
 هدایت شده معصوم از فرزندان تو یازده
 نفرند و تو نخستین آنان هستی و آخرین آنان
 هم اسم من است. خارج می شود و زمین را از
 عدل پر می کند؛ همان گونه که از ظلم و ستم
 پر شده بود، فردی نزدش آمد. اموال (نزد
 امام) متراکم است. می گوید: ای مهدی،
 عطا کن. پس امام می گوید: بگیر.

۱-۱۲. بیعت بین رکن و مقام

یکی دیگر از ویژگی های امام مهدی علیه السلام، مکان
 بیعت ایشان (کنار خانه کعبه) است. این ویژگی نیز در
 کتاب های عامه و شیعه ذکر شده است. احمد حنبل
 در روایتی از وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند:
 یبایع لرجل ما بین الرکن و المقام؛^۲
 «با مردی بین رکن و مقام بیعت می کنند».

۱. غیبت نعمانی، ص ۹۲، ح ۲۳.

۲. مسند احمد، ج ۲، ص ۲۹۱، ح ۷۸۹۷.

جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند:

«یبایع القائم بین الرکن و المقام

ثلاثمائة و نيف عدة اهل بدر...»^۱ «بیعت

می‌کنند با قائم بین رکن و مقام سیصد و چند

نفر به تعداد اهل بدر...»

۱-۳-۱. عدالت فراگیر

از ویژگی بارز امام مهدی علیه السلام حکومت عدالت گستر ایشان است. فراگیری عدل و داد در بسیاری از روایات مربوط به حضرت بیان شده است. ابوسعید خدری در ضمن روایتی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کند:

«المهدی منی... یملأ الارض قسطاً و

عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً»^۲

«مهدی علیه السلام از من است... زمین را از عدل و

داد پر می‌کند همان‌گونه که از ظلم و جور پر

شده است.»

صقر بن ابی دلف می‌گوید: از امام هادی علیه السلام

شنیدم که فرمود:

«ان الامام بعدی الحسن ایمنی و بعد

۱. غیبت طوسی، ص ۴۷۶.

۲. سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۷، ح ۴۲۸۵.

الحسن ابنه القائم الذي يملأ الأرض قسطاً
و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً؛^۱ «امام
بعد از من حسن عليه السلام است و بعد از حسن عليه السلام
فرزندش قائم [جانشین او است] کسی که
زمین را از عدل و داد پر می کند همانگونه که
از ظلم و ستم پر شده است».

۱-۱۴. هم نام با پیامبر صلی الله علیه و آله

یکی دیگر از مواردی که عامه و خاصه درباره
امام مهدی عليه السلام در آن اشتراک نظر دارند، نام مبارک
آن حضرت است. عبدالله از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند:
«لاتذهب أو لاتنقض الدنيا حتى
يملك العرب رجل من اهل بيتي
يواطيء اسمه اسمي»؛^۲ «دنیا به پایان
نمی رسد یا دنیا تمام نمی شود تا اینکه مردی
از اهل بیتم - که هم نام من است - بر عرب
حاکم می شود».

هشام بن سالم از امام صادق عليه السلام از پدرانش عليهم السلام
از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند:
«القائم من ولدي، اسمه اسمي و كنيته

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۳، ح ۱۰.

۲. سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۶، ح ۴۲۸۲.

کنیتی و شمائله شمائلی و سنته سنتی...»؛^۱ «قائم از فرزندان من است، اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است، و شمایل و خصوصیات او شمایل من و سنت و روش او، سنت من است».

دو. عرصه‌های اختلافی

همان‌گونه که گذشت دو مذهب شیعه و سنی، در محورهای مختلفی درباره مهدویت اشتراک نظر دارند؛ با این وجود گروهی از اهل سنت در بعضی موارد دیدگاهی متفاوت با شیعیان دارند.

آنچه که در این عرصه قابل توجه است، موضوع ولادت و نسب آن حضرت است. در میان اهل سنت دو نظر وجود دارد: گروهی از آنان، عقیده‌ای مطابق با نظر شیعیان دارند و معتقدند که امام مهدی علیه السلام در سال ۲۵۵ به دنیا آمده است و برخی دیگر آن را انکار می‌کنند. در اینجا به بررسی این مطلب می‌پردازیم.

۱-۲. ولادت امام مهدی علیه السلام

اثبات ولادت هر فردی، پیش از هر چیزی با

۱. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۱۱، ح ۶.

اعلام پدر وی و شهادت دادن قابله‌ای صورت می‌پذیرد که هنگام به دنیا آمدن نوزاد، مددکار مادر او بوده است؛ هر چند کسی غیر از این دو، او را مشاهده نکرده باشد. چه رسد به اینکه صدها تن دیگر نیز وی را دیده باشند و خود او به اموری مبادرت ورزیده باشد که افراد زیادی از آن مطلع شده‌اند. تعلیمات، سفارش‌ها، راهنمایی، نصیحت‌ها، نامه‌ها، دعاها، سخنان مشهور و اخبار منقولی از ایشان صادر شده باشد و وکلای وی معروف و سفیران او معلوم و معین باشند، و در هر عصر و در میان هر نسلی میلیون‌ها نفر پیرو داشته باشد. علاوه بر همه این قراین و شواهد، احادیث متعددی دلالت بر ولادت امام مهدی علیه السلام دارند. صرف نظر از روایات عام امامت (مانند حدیث ثقلین و اثنی عشر خلیفه...) که وجود امام در هر زمانی و مصداق فعلی آن را ثابت می‌کند. روایات خاص مهدویت و بشارت‌هایی که ائمه علیهم السلام به ولادت آن حضرت داده‌اند و راهنمایی‌هایی که معصومان علیهم السلام در پاسخ به سؤال شیعیان از ائمه بعد از آنان داشته‌اند، بر این امر دلالت دارد. به عنوان نمونه چند روایت ذکر می‌شود:

۱. احمد بن اسحاق می گوید: شنیدم امام حسن عسکری علیه السلام فرمود:

«الحمد لله الذي لم يخرجني من الدنيا حتى ارانى الخلف من بعدى»؛^۱
«سپاس خدایی را که مرا از دنیا خارج نکرد تا اینکه جانشین مرا نشانم داد».

۲. ابی غانم، خادم امام حسن عسکری علیه السلام می گوید:

«ولد لابی محمد علیه السلام ولد فسماه محمداً، فعرضه على اصحابه يوم الثالث و قال: هذا صاحبكم من بعدى، و خلیفتی علیکم و هو القائم الذی تمتد الیه الاعناق بالانتظار»؛^۲ «برای ابی محمد امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی به دنیا آمد. پس او را محمد نام گزارد. پس روز سوم امام حسن علیه السلام او (فرزند) را به اصحاب نشان داد و فرمود: این صاحب و امام شما بعد از من و جانشین من بر شما است و او قائمی است که گردن‌ها به انتظار او کشیده می شود».

۱. منتخب الاثر، ۳ جلدی، ج ۲، باب چهارم، ح ۷۹۱.

۲. کمال الدین، ج ۲، باب ۴۲، ح ۸.

۳. امام هادی علیه السلام فرمود:

«ان الامام بعدی الحسن ابنی، و بعد الحسن ابنه قائم الذی یملاً الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً»؛^۱ «امام بعد از من فرزندم حسن علیه السلام است، و بعد از او پسرش قائم علیه السلام [امام است]، همان که پر می‌کند زمین را از عدل و داد، همان طور که از ظلم و جور پر شده است.»

تذکر: با توجه به مجموع روایات، تواتر معنوی روایات ولادت را می‌توان ثابت کرد.

۲-۲. نَسَب امام مهدی علیه السلام

گروهی از اهل سنت با وجود اعتقاد به مهدویت و ویژگی‌های آن حضرت، بر اساس برخی از احادیث معتقدند که ایشان از اولاد امام حسن مجتبی علیه السلام است نه از فرزندان امام حسین علیه السلام.

پژوهش‌های انجام شده در کتاب‌های اهل سنت نشان دهنده وجود تنها یک حدیث در این مورد است که در سنن ابو داود سجستانی آمده است:

«قال علی علیه السلام - و نظر الی ابنه الحسن

- فقال: ان ابنی هذا سید کما سماه

۱. همان، باب ۳۷، ح ۱۰.

النَّبِيُّ ﷺ وَ سَيُخْرَجُ مِنْ صُلْبِهِ رَجُلٌ
 يُسَمَّى بِاسْمِ نَبِيِّكُمْ يَشْبَهُهُ فِي الْخَلْقِ...»^۱؛
 حضرت علی عليه السلام - در حالی که به
 فرزندش حسن نگاه می‌کرد - گفت: «به
 درستی که این فرزندم آقا و سرور است،
 همانگونه که پیامبر صلی الله علیه و آله او را چنین نامید. و
 از صلب او مردی متولد می‌شود که به نام
 پیامبرتان نامیده می‌شود و در خلقت شبیه او
 است...»

پاسخ نخست:

با بررسی متن و سند حدیث و مقابله آن با
 حدیث‌هایی که امام مهدی عليه السلام را از فرزندان امام
 حسین عليه السلام می‌دانند، می‌توان با دلایل زیر احتمال
 ساختگی بودن و جعل حدیث را بیان کرد:

۱. اختلاف در نقل حدیث از ابوداود:

جزری شافعی (م ۸۳۳ هـ) آن را از ابوداود نقل

کرده؛ ولی به جای «حسن»، «حسین» ثبت کرده
 است.^۲

۱. سنن ابوداود، ج ۴، ح ۴۲۹۰.

۲. المناقب فی تهذیب اسنی المطالب، صص ۱۶۵-۱۶۸.

۲. مقطومه بودن حدیث:

سند حدیث ناپیوسته است؛ چون شخصی که از حضرت علی علیه السلام نقل کرده ابو اسحاق سبعی است. او کسی است که ثابت نشده حتی یکی حدیث را خود از حضرت علی علیه السلام شنیده باشد، به طوری که منذری در شرح حدیث به این مطلب تصریح کرده است.^۱ او به هنگام شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام هفت ساله بوده؛ چون به گفته ابن حجر، او دو سال قبل از پایان خلافت عثمان متولد شده است.^۲

۳. سند حدیث مجهول است:

ابوداود گوید: «از هارون بن مغیره برایم حدیث شد» و معلوم نیست چه کسی بوده است. طبق مبانی محدثان اهل سنت، حدیثی که راوی مجهول دارد قابل اطمینان نیست.

۴. وجود روایات معارض از اهل سنت:

این حدیث، با احادیث فراوان دیگر که اهل سنت نقل کرده‌اند، تعارض دارد؛ چون در آنها تصریح شده که امام مهدی علیه السلام از فرزندان امام حسین علیه السلام است. به عنوان نمونه، حذیفه بن یمان

۱. مختصر سنن ابی داود، ج ۶، ح ۴۱۲۱، ص ۱۶۲.

۲. تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۵۶، ح ۱۰۰.

می گوید:

«پیامبر خدا ﷺ خطبه‌ای خواند و برایمان خبرهایی از آینده داد و سپس فرمود: اگر فقط یک روز از عمر دنیا باقی مانده باشد، خداوند عزوجل آن روز را طولانی می‌کند تا اینکه مردی از فرزندانم را برانگیزاند که نامش، هم نام من است. سلمان به پا خاست و عرض کرد: ای رسول خدا! از کدام فرزندت؟ فرمود: از این فرزندم [و] با دست به حسین علیه السلام زد»^۱.

۵. احتمال تصحیف:

در حدیث ابوداود احتمال تغییر یافتن «حسین» به «حسن» - به قرینه اختلاف در نقل - بعید نیست و در غیر این صورت، خبر واحدی است که برابر حدیث متواتر قابل دفاع نیست.

پاسخ دوم:

صرف نظر از بحث‌های بیان شده، این حدیث - به فرض صحّت - با احادیث فراوان دیگر که امام مهدی علیه السلام را از نسل امام حسین علیه السلام می‌داند، قابل

۱. المنار المنیف، ابن قیم، ح ۳۲۹، ص ۱۴۸؛ القول

المختصر، ابن حجر، ج ۴، ص ۳۷.

جمع است. به این صورت که حضرت مهدی علیه السلام از طرف پدر حسینی و از طرف مادر حسنی است و این خود حقیقتی مسلم است؛ زیرا همسر امام سجاد علیه السلام و مادر امام باقر علیه السلام، فاطمه دختر گرامی حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام بود. و لذا امام باقر علیه السلام از طرف پدر حسینی و از طرف مادر حسنی است. به دنبال آن دیگر امامان واقعاً ذریه حسین علیه السلام هستند.

در اینجا برای آگاهی بیشتر اسامی برخی از علمای اهل سنت که احادیث فرزند امام حسین علیه السلام بودن امام مهدی علیه السلام را نقل کرده و به حسینی بودن او اعتراف دارند، ذکر می شود:

۱. علامه ابن قتیبه دینوری (م ۲۷۶هـ)

۲. حافظ ابوالحسن علی بن عمر دارقطنی شافعی (م ۳۸۵هـ)

۳. حافظ ابونعیم اصفهانی (م ۴۳۰هـ)

۴. موفق بن احمد ملکی خوارزمی خطیب (م ۵۸۶هـ)

۵. شیخ الاسلام ابو العلاء حسن بن احمد بن حسن عطار همدانی (م ۵۶۹هـ)

۶. ابن ابی الحدید (م ۶۵۶هـ)^۱

۱. برای اطلاع بیشتر رک به اصالت مهدویت در اسلام،

فصل ۳. لغزشگاه‌های احادیث

امام مهدی علیه السلام

موضوع «مهدویت» مانند هر مسأله دیگری، در طول تاریخ دچار هجوم دشمنان و غرض ورزان گردیده است. کسانی که فرهنگ اصیل «مهدویت» مانعی بر سر راهشان بوده و با مطامع و اهداف آنان هم‌خوانی نداشته است، همیشه در صدد تضعیف مبانی و ارزش‌های آن برآمده‌اند. روایات مهدویت یکی از عرصه‌های تهاجم آنان است که در این بخش به بعضی از اشکالات و پاسخ آنها پرداخته می‌شود:

شبهه نخست: صحیحین و احادیث امام مهدی علیه السلام

از ادعاهای پوچ و بی‌اساس برخی، این است که بخاری و مسلم حدیثی درباره حضرت مهدی علیه السلام ثبت نکرده‌اند و این به معنای آن است که موضوع مهدویت نزد آنان پذیرفته نبوده و حدیث صحیحی ندارد و لذا در کتاب خود، روایات مهدویت را ذکر نکرده‌اند. پیش از بررسی این ادعا، لازم است چند مطلب گوشزد شود:

۱. بخاری در کلام بسیار مشهوری درباره کتاب

خود می گوید:

«این کتاب را با یکصد هزار حدیث صحیح (و به قولی با دویست هزار حدیث صحیح) نوشتم و حدیث های صحیحی را که رها کردم، افزون تر است.»

بنابراین، به تصریح خود بخاری، آنچه را که نقل نکرده، به علت ضعف نبوده؛ بلکه بسیاری از حدیث های را که صحیح می دانسته، در کتابش نیاورده است.

۲. علمای اهل سنت معتقد نیستند که همه روایات نقل نشده در صحیحین، ضعیف می باشند؛ بلکه کاملاً عکس این است. از دیدگاه آنان احادیث صحیح بسیاری بوده که در صحیحین ذکر نشده است و لذا آنها را استدراک کرده اند تا بدین وسیله کاستی های صحیحین را جبران کنند.

۳. هیچ یک از علمای رجال و حدیث شناس اهل سنت، تنها ملاک صحیح بودن یک حدیث را آمدن آن در صحیحین ندانسته است؛ بلکه بعضی از احادیث - که صحت آنها نزد اهل سنت قطعی است - در صحیحین نیامده است. بهترین گواه این مدعا، حدیث «العشرة المبشرة بالجنة» است که هیچ یک

از بخاری و مسلم آن را نقل نکرده‌اند؛ ولی نزد اهل سنت از حدیث‌های متواتر است.

۴. کسانی که به بهانه نبودن حدیث درباره حضرت مهدی علیه السلام در صحیحین، منکر ظهور آن بزرگوار شده‌اند، در واقع اطلاع دقیق و کافی از محتوای آنها ندارند.

پاسخ شبهه:

پوشیده نیست که احادیث امام مهدی علیه السلام در زمینه‌های گوناگونی است؛ از جمله: نام شریف، بعضی از اوصاف، نشانه‌های ظهور، روش و چگونگی حکومت و... بدیهی است که نیاز حتمی به آوردن کلمه «مهدی» در تمامی این حدیث‌ها نیست؛ چون منظور از احادیث، کاملاً روشن و آشکار است. برای مثال ممکن است حدیث صحیحی، در کتابی روایت شده باشد و در آن صفتی از صفات مهدی موعود در آخر الزمان با ذکر کلمه «المهدی» آمده باشد و همین حدیث در بخاری نقل و به جای آن کلمه «رجل (مردی)» ذکر شده باشد. در این صورت کدام عاقل و خردمندی در اینکه این حدیث مربوط به مهدی موعود علیه السلام است، شک و تردید می‌کند؟ اگر توجه به روایات و مقایسه آنها با

یکدیگر را نپذیریم، در غیر این صورت اجمال در بسیاری از حدیث‌ها به چه شکل بر طرف شده و معنای درست آنها آشکار می‌گردد؟ آیا نزد علما، راه و روشی جز این است که حدیث مجمل را با حدیث مفصل تفسیر کنند؛ هر چند که آن دو در یک کتاب یا در دو کتاب جداگانه باشند؟

به علاوه، اگر به صحیح بخاری و صحیح مسلم مراجعه کنیم، خواهیم دید که آن دو ده‌ها حدیث «مجمّل» درباره حضرت مهدی علیه السلام نقل کرده‌اند که دیگر علمای اهل سنت آنها را به حضرت نسبت داده‌اند؛ زیرا حدیث‌های «صحیح» دیگری که در دیگر کتاب‌های صحیح و مسند و مستدرک ثبت شده، از آنها «رفع اجمال» می‌کند.

شگفت‌انگیزتر اینکه حدیث «الْمَهْدِي حَقٌّ وَ هُوَ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ» را چهار تن از علمای کاملاً مورد وثوق و اطمینان اهل سنت، در کتاب‌های خود از «صحیح مسلم» نقل کرده‌اند؛ ولی متأسفانه با مراجعه به چاپ‌های موجود و در دسترس امروزی این کتاب، اثری از آن وجود ندارد! آن چهار نفر عبارت‌اند از:

الف. ابن حجر هیثمی (م ۹۷۴ هـ) در کتاب

الصواعق المحرقة باب یازدهم، فصل اول،
ص ۱۶۳؛

ب. متقی هندی حنفی (م ۹۷۵ هـ) در کتاب
کنز العمال، (ج ۱۴، ص ۲۶۴، ح ۳۸۶۶۲)؛
ج. شیخ محمد علی صبان (م ۱۲۰۶ هـ) در کتاب
اسعاف الراغبین (ص ۱۴۵)؛

د. شیخ حسن عدوی حمزوی مالکی (م ۱۳۰۳ هـ) در
کتاب مشارق الانوار (ص ۱۱۲).

به هر حال بخشی از احادیث نقل شده در صحیح
مسلم و بخاری را نمی توان جز به حضرت
مهدی علیه السلام نسبت داد یا تفسیر کرد. این برداشت و
استنباط ما در فهم حدیث های این دو کتاب نیست؛
بلکه از مطالب مورد اتفاق پنج تن از شارحان
صحیح بخاری است که در بخش مربوط به آن
توضیح داده می شود.

حدیث های صحیح مسلم و بخاری که در
ارتباط با حضرت مهدی علیه السلام تفسیر شده است

۱. احادیث خروج دجال در صحیحین

بخاری در صحیحش به یک روایت درباره
خروج دجال و فتنه او، بسنده کرده است. در حالی
که در صحیح مسلم، ده ها حدیث درباره خروج،

روش، اوصاف، خرابکاری، فساد، لشکرکشی و سرانجام او نقل شده است و در روایاتی دجال از جمله علامات ظهور و خروج حضرت مهدی علیه السلام شمرده شده است.

۲. احادیث نزول عیسی علیه السلام در صحیحین

بخاری و مسلم هر دو با اسناد خود از ابوهریره نقل کرده‌اند که گفت:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«چگونه‌اید اگر پسر مریم بر شما فرود

آید، در حالی که امامتان از شما باشد؟»^۱

مسلم با اسنادش از جابر بن عبدالله آورده است:

«شنیدم پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: گروهی از

امت آشکارا تا روز قیامت بر اساس حق

پیکار می‌کنند. پس عیسی بن مریم فرود

می‌آید. فرمانده گروه گوید: بیا و بر ایمان

نماز بگزار! می‌گوید: خیر، به درستی که

برخی از شما به پاس گرامی داشت این امت

بر دیگران امیر هستند.»^۲

۱. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۰۵، کتاب الانبیاء؛ و صحیح

مسلم، ج ۱، ح ۲۴۴، ص ۱۳۶.

۲. صحیح مسلم، ج ۱، ح ۲۴۷، ص ۱۳۷.

اگر به دیگر کتاب‌های حدیثی اهل سنت - از صحیح و مسند و غیره - مراجعه کنیم، روایات فراوانی را می‌یابیم که به صراحت بیان می‌کنند که فرمانده گروهی که تا روز قیامت بر پایه حق پیکار می‌کند، کسی جز حضرت مهدی علیه السلام نخواهد بود. به عنوان نمونه چند حدیث را ذکر می‌کنیم:

الف. ابن ابی شیبہ از ابن سیرین نقل کرده است:

«مهدی از این امت و همان کسی است

که بر عیسی بن مریم امامت می‌کند».^۱

ب. ابونعیم از ابن عمرو دانی از حذیفه نقل کرده

است:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی علیه السلام نظر

افکند در حالی که عیسی بن مریم فرود

آمده، گویی آب از موهایش می‌چکد. سپس

حضرت مهدی علیه السلام می‌گوید: جلو برو و با

مردم نماز بگذار. پس عیسی علیه السلام گوید: نماز

تنها برای شما برپا شده است. پس [عیسی]

پشت سر مردی از فرزندان من نماز

می‌گذارد».^۲

۱. المصنف، ج ۱۵، ح ۱۹۴۹۵.

۲. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۸۱.

در کتاب فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، به تواتر حدیث‌های مهدویت تصریح شده است؛ از جمله در شرح حدیث پیشین، می‌گوید:

«نماز خواندن عیسی پشت سر مردی از این امت - با توجه به اینکه در آخرالزمان و نزدیک قیامت است - نشانگر صحت و درستی گفته‌هایی است که می‌گوید: به درستی که زمین از قائمی برای خدا یا حجت خالی نخواهد ماند».^۱

قسطلانی در شرح بر بخاری، این حدیث را به حضرت مهدی علیه السلام تفسیر کرده، می‌گوید: حضرت عیسی علیه السلام در نماز به امام مهدی علیه السلام اقتدا می‌کند.^۲ این مطالب در عمدة القاری فی شرح صحیح البخاری نیز وجود دارد.

در کتاب فیض الباری در تفسیر حدیث بخاری تأکید بیشتری هست. در این کتاب، حدیثی از ابن ماجه قزوینی آورده و سپس می‌گوید: پس مصداق «الامام» در این حدیث همان «امام مهدی» است.^۳

۱. فتح الباری، ج ۶، صص ۳۸۳-۳۸۵.

۲. ارشاد الساری فی شرح صحیح البخاری، ج ۵، ص ۴۱۹.

۳. فیض الباری، ج ۴، صص ۴۴-۴۷.

در حاشیه البدرالساری الی فیض البخاری شرح مفصلی درباره حدیث فوق آورده و توضیح می دهد که شارح حدیث، باید به احادیث دیگر صحابه در همان زمینه مراجعه کند. لذا جمع حدیث هایی که مبین این حدیث بخاری است، او را بر آن داشت که تصریح کند: مراد از امام همان، امام مهدی علیه السلام است. سپس می افزاید: این معنا را حدیث ابن ماجه به تفصیل روشن کرده که استناد آن هم قوی است.^۱

۳. احادیث صحیح مسلم «درباره کسی که مالها را می بخشد».

مسلم با اسناد خود از جابر بن عبدالله آورده است:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در اواخر دوران

امت من، خلیفه ای خواهد آمد که مال را

فراوان می بخشد و هیچ شمارش نمی کند».^۲

وی این حدیث را از طریق های دیگری از جابر و

ابوسعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند.

صفت «پاشیدن مال» مبالغه در فراوانی است و در

کتابها و روایات اهل سنت، هیچ موصوفی جز

۱. حاشیه البدرالساری الی فیض البخاری، ج ۴، ص ۴۴.

۲. صحیح مسلم (به همراه شرح نووی)، ج ۱۸، ص ۳۸.

حضرت مهدی علیه السلام ندارد.

ترمذی با اسنادش از ابوسعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند:

«به درستی که مهدی در امت من است... [تا آن جا که فرمود] پس مردی نزد او می‌آید و می‌گوید: ای مهدی [مالی] به من بده، پس به اندازه توان حمل کردن او، در پیراهنش پول می‌ریزد»^۱.

این حدیث از ابوهریره و ابوسعید خدری و ده‌ها طریق دیگر نقل شده است.

۱.۴ احادیث خسف بیداء در صحیح مسلم

مسلم در صحیح با اسناد خود از عبیدالله بن قبطیه آورده است:

«حارث بن ابی ربیع بن صفوان همراه با من بر ام سلمه، ام المؤمنین وارد شدیم. از او درباره لشکری که به زمین فروی رود، پرسیدند (این در دوران عبیدالله بن زبیر بود). ام سلمه گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پناهنده‌ای در خانه خدا پناه می‌برد، آن گاه گروهی را به دنبالش می‌فرستند، هنگامی که

۱. سنن ترمذی، ج ۴، ح ۲۲۳۴.

آنان به بیداء می‌رسند، زمین آنها را در خود
فرو می‌برد».^۱

شبهه دوم: ابن خلدون و احادیث امام مهدی علیه السلام

منکران عقیده ظهور حضرت مهدی علیه السلام، به
خدشه‌هایی که توسط ابن خلدون به احادیث
«مهدویت» وارد شده، تمسک کرده و چنین نتیجه
می‌گیرند که همه این احادیث بی‌اعتبار است. استاد
الازهر، سعد محمد حسن، شاگرد احمد امین درباره
این احادیث می‌گوید:

علمای حدیث و نقادان و حدیث
پژوهان به تفصیل و نقد و بررسی این
مجموعه از احادیث پرداخته‌اند و علامه ابن
خلدون به شدت آنها را رد کرده است.^۲

همین برداشت را نزد استاد وی احمد امین نیز
می‌یابیم. ابوزهره، محمد فرید وجدی و دیگرانی
مثل جبهان و سائح لیبی هم این نظر را دارند: «ابن
خلدون این احادیث را نقادانه پی‌گیری کرده و

۱. صحیح مسلم (به همراه شرح نووی)، ج ۱۸، صص

۷-۴.

۲. المهدیه فی الاسلام، ص ۶۹.

تک تک آنها را ضعیف شمرده است»^۱.

پاسخ: حقیقت تضعیف‌های ابن خلدون

ابن خلدون برخی از احادیث «المهدی» را صحیح می‌داند؛ چنان‌که برخی دیگر را ضعیف می‌شمارد. به نظر می‌رسد که احمد امین و شاگردانش، به تصریح ابن خلدون به صحت برخی از این احادیث توجه نکرده و تنها تضعیف‌های وی را دیده و از آنها یاد کرده‌اند!

نکته دیگر اینکه آیا تصریح علمای درایه به «صحت» و «تواتر» این احادیث کافی نیست؛ به ویژه آن که تخصص ابن خلدون تاریخ و جامعه‌شناسی بوده است، نه علم حدیث!

افزون بر این، مگر شمار احادیثی که ابن خلدون ضعیف شمرده، چه قدر است که عمل وی چنین بزرگ‌نمایی می‌شود. او تنها نوزده حدیث از مجموع ۲۳ حدیث این باب را تضعیف کرده و این تمامی روایاتی است که وی بررسی و نقد کرده است. او تنها از هفت نفر نام برده که احادیث «المهدی علیه السلام» را روایت کرده‌اند؛ یعنی، ترمذی، ابوداود، بزاز، ابن ماجه،

۱. مجله الدعوة الاسلامیة، ش ۱۰، مقاله تراثنا و موازین

حاکم، طبرانی و ابوعلی موصلی.^۱
به همین دلایل ابن خلدون مورد مواخذة شدید
قرار گرفت و ابوالفیض، کتاب «ابراز الوهم المکنون
من کلام ابن خلدون» را در رد او نوشت.
علاوه بر این خود ابن خلدون چهار حدیث زیر
را صحیح دانسته است:

۱. روایت حاکم از طریق عون اعرابی، از
ابو صدیق ناجی، از ابوسعید خدری؛
۲. روایت حاکم از طریق سلیمان بن عبید، از
ابو صدیق ناجی، از ابوسعید خدری (ابن خلدون
درباره اش می گوید: «اسنادش صحیح» است).
۳. روایت حاکم از حضرت علی علیه السلام درباره
ظهور مهدی علیه السلام (ابن خلدون اسناد آن را صحیح
می شمارد).

۴. روایت ابوداود سجستانی، از صالح بن خلیل،
از ام سلمه (ابن خلدون درباره اش می گوید: «دارای
رجال صحیحی است که غیر موثق و مجهول در میان
آنان به چشم نمی خورد»).

۱. تاریخ ابن خلدون، ج ۱، فصل ۵۲، ص ۵۵۵.
۲. برای توضیح بیشتر ر.ک: المهدی المنتظر فی الفکر
الاسلامی و در انتظار قنوس.

نتیجه

با پژوهش در احادیث امام مهدی علیه السلام در منابع روایی شیعی و سنی، روشن می‌شود که هر دو مکتب، در مسأله مهدویت و اصول و امور کلی آن با همدیگر متحد و متفق هستند. با این حال به نظر می‌رسد که احادیث اهل سنت درباره امام مهدی علیه السلام، از دو ویژگی برخوردار است:

۱. احادیث مهدویت اهل سنت از جهت تعداد، کمتر از احادیث شیعی است، ۲. این احادیث، بیشتر به امور کلی پرداخته و کمتر مسائل جزئی مهدویت را در نظر گرفته است.

این وضعیت، بیشتر از آن نشأت می‌گیرد که آنان فقط به احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابه اکتفا کردند و در اثر خودداری از تمسک به اهل بیت علیهم السلام، از احادیث آنان محروم شدند. علاوه بر اینکه حدود یکصد سال از احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله نیز جدا افتادند؛

در حالی که شیعه و محدثان شیعی همیشه با خاندان وحی مرتبط بوده‌اند.

بنابراین با توجه به روایات ائمه علیهم‌السلام - که حجت و معتبر بوده و می‌تواند دوشادوش کلام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به تشریح و تبیین احکام و معارف بپردازد - می‌توان تصویری کامل از مهدی موعود، به جهانیان عرضه کرد و قلوب آنان را مالا مال از محبت امام زمان علیه‌السلام نمود و آنها را برای پیروی از حضرتش آماده کرد.